

# ازدواج دختران در سنین پایین ۱. وضعیت موجود و ابعاد مسئله

کد موضوعی: ۲۷۰

شماره مسلسل: ۱۵۹۹۱

مردادماه ۱۳۹۷

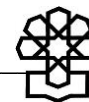
معاونت پژوهش‌های اجتماعی - فرهنگی

دفتر: مطالعات فرهنگی

## به نام خدا

### فهرست مطالب

|    |  |
|----|--|
| ۱  | چکیده  |
| ۴  | بیان مسئله و روش تحقیق   |
| ۶  | فصل اول - وضعیت ازدواج دختران در سن پایین در کشور                            |
| ۷  | ۱. وضعیت ازدواج در گروه سنی ۱۴ سال و کمتر (برحسب سن زوجه)                    |
| ۸  | ۲. پراکندگی ازدواج در گروه سنی ۱۴ سال و کمتر برحسب سن زوجه به لحاظ جغرافیایی |
| ۱۱ | ۳. فاصله سنی زوجین در زمان ازدواج  |
| ۱۲ | فصل دوم - آثار و پیامدها   |
| ۱۴ | ۱. مطلقه شدن دختران در سن پایین و خطرات آن                                   |
| ۱۸ | ۲. ترک تحصیل بیشتر دختران  |
| ۲۶ | ۳. بارداری زودهنگام و خطرات آن برای سلامتی مادر و کودک                       |
| ۲۸ | ۴. نارضایتی جنسی   |
| ۳۰ | ۵. خشونت خانگی   |
| ۳۳ | ۶. رعایت نشدن حقوق کودکی   |
| ۳۴ | ۷. ناتوانی در اداره امور زندگی   |
| ۳۵ | ۸. مداخلات آسیب‌زننده خانواده‌های زوجین                                      |
| ۳۵ | ۹. اجباری بودن و فقدان بلوغ فکری و اجتماعی                                   |
| ۳۷ | فصل سوم - تعیین سن ازدواج در جوامع مختلف                                     |
| ۳۷ | ۱. سن ازدواج در قوانین بین‌المللی  |
| ۳۹ | ۲. سن ازدواج در قوانین سایر کشورها   |
| ۴۰ | ۳. سن ازدواج در نظام حقوقی ایران   |
| ۴۲ | فصل چهارم - رویکردهای سیاستی   |
| ۴۲ | ۱. رویکرد تعیین حداقل سن   |
| ۴۳ | ۲. دیدگاه دوم (لحاظ حداقل سن با در نظر گرفتن شرایط)                          |
| ۴۴ | ۳. مسئله نفوذ قانون  |
| ۴۴ | نتیجه‌گیری   |
| ۴۷ | منابع و مأخذ   |



## ازدواج دختران در سنین پایین ۱. وضعیت موجود و ابعاد مسئله

### چکیده

براساس آخرین پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان که در سال ۱۳۹۴ منتشر شده است ۴۷ درصد پاسخگویان مناسب‌ترین سن برای ازدواج دختران را ۱۶ تا ۲۰ سال و ۳۹ درصد نیز ۲۱ تا ۲۵ سال دانسته‌اند. در سال‌های اخیر نیز بالاترین فراوانی ازدواج دختران در کشور در گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ سال (با ۱۹۶ هزار و ۵۹۲ مورد) و گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال (با ۲۰۴ هزار و ۲۰۲ مورد) ازدواج قرار دارد. همچنین در سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ از ۴/۹ تا ۵/۶ درصد (حدود ۴۰ هزار) از کل ازدواج‌های ثبت شده در کشور نیز در گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ ساله قرار دارد. هرچند در این گروه سنی در کنار این آمار باید وجود آمار غیررسمی را نیز در نظر گرفت؛ ازدواج‌های ثبت نشده‌ای که عموماً بین مهاجرین و اتباع غیرایرانی روی می‌دهد.

اگرچه درخصوص مصداق ازدواج در سنین پایین اختلاف نظر وجود دارد و برخی حتی ازدواج‌های زیر ۲۴ سال را نیز ازدواج در سنین پایین در نظر گرفته‌اند، با این حال به‌طور کلی ازدواج زیر ۱۸ سال و علی‌الخصوص ۱۰ تا ۱۴ سال برای دختران به‌عنوان مصداق ازدواج در سنین پایین در نظر گرفته می‌شود.

ازدواج در گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ سال برحسب سن زوجه، اگرچه در تمام استان‌های کشور مشاهده می‌شود، اما به‌صورت خاص در مناطق روستایی، عشایری و حاشیه شهرها متمرکز است. نسبت ازدواج‌های این گروه سنی به کل ازدواج‌ها نشان می‌دهد که نوع این استان‌ها از نظر توسعه‌یافتگی و محروم بودن به‌گونه‌ای است که نمی‌توان حکم واحد و یکسانی را درباره آنها صادر کرد. برای مثال استان‌های محرومی چون کهگیلویه و بویراحمد و ایلام دارای رتبه بسیار پایین و استان آذربایجان شرقی و خراسان رضوی که توسعه‌یافته‌تر هستند رتبه بالاتری را در این موضوع به‌خود اختصاص داده‌اند. از همین رو به‌نظر می‌رسد نقش عامل فرهنگی در رتبه‌بندی استان‌های مختلف در این موضوع بسیار پررنگ است.

آمارهای ارائه شده طی پنج سال اخیر ازسوی سازمان ثبت احوال در مورد فاصله سنی زوجین در ازدواج‌هایی که زوجه در گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ سال قرار دارد، نشان می‌دهد که بیشترین ازدواج‌های ثبت شده با فاصله سنی ۱۰ سال و کمتر بوده است. به‌عبارت دیگر، بیشترین ازدواج‌های ثبت شده

دختران گروه سنی ۱۴ سال و کمتر با پسران گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال بوده است. بنابراین به نظر می‌رسد جامعه هم از لحاظ بازه سنی یعنی بالای ۱۰ سال و هم فاصله سنی ۱۰ سال و کمتر نوعی سازوکار خودکنترلی در این موضوع را اعمال می‌کند.

با این حال در سال ۱۳۹۵ در فاصله‌های سنی ۲۰ تا ۲۴ سال بین زوج و زوجه ۱ هزار و ۴۸ مورد، ۲۵ تا ۲۹ سال ۱۳۸ مورد، ۳۰ تا ۳۴ سال ۶۳ مورد، ۳۵ تا ۳۹ سال ۲۹ مورد، ۴۰ تا ۴۴ سال و ۴۵ تا ۴۹ سال هر کدام ۷ مورد، ۵۰ تا ۵۴ سال ۳ مورد و ۵۵ تا ۵۹ سال نیز ۳ مورد، ازدواج ثبت شده است که وجود این فاصله‌های سنی غیرطبیعی، آسیب‌زا به نظر می‌رسد.

در خصوص وضعیت دختران ازدواج کرده در بازه سنی ۱۰ تا ۱۴ سال در موضوعات مختلف نتایج

زیر به دست آمده است:

### ۱. طلاق

با توجه به نسبت ۲/۳ درصدی طلاق‌ها نسبت به ازدواج‌های گروه سنی (زیر ۱۴ سال) و همچنین الگوی طلاق در کشور که بیشترین طلاق‌ها در سال اول زندگی و در گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ سال انجام می‌شود، در خصوص این ادعا که طلاق در این گروه سنی نسبت به گروه‌های دیگر بیشتر است، تردید جدی وجود دارد. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد که براساس شواهد فوق ازدواج‌های این گروه سنی دارای پایداری بیشتری نسبت به گروه‌های سنی دیگر است.

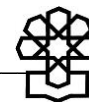
فراوانی طلاق در این گروه سنی نسبت به سایر گروه‌ها بسیار پایین بوده و این گروه سنی بخش بسیار کمی از طلاق‌ها را به خود اختصاص داده است، اما به دلیل سن کم، مهارت‌های پایین و آسیب‌پذیری بالای مسئله طلاق در این گروه سنی بسیار حائز اهمیت است و بی‌توجهی به این موضوع می‌تواند تبعات جبران‌ناپذیری برای فرد و جامعه در پی داشته باشد.

### ۲. محرومیت از تحصیل

درباره تأثیر عامل ازدواج بر محرومیت از تحصیل بزرگ‌نمایی و تا حد زیادی اغراق صورت می‌گیرد و تحقیقات مختلف تأثیر عامل ازدواج را بسیار کم و ناچیز نشان می‌دهد. در این مورد هم وجود مواردی از ترک تحصیل ناشی از ازدواج نشان می‌دهد که در کنار دو مسئله فاصله سنی غیرطبیعی زوج و زوجه و برخی موارد طلاق، در خصوص موضوع ترک تحصیل نیز باید در نظام قانونگذاری توجه کافی صورت گیرد.

### ۳. مرگ و میر ناشی از بارداری

در مورد پیامدهای بارداری در ازدواج‌های سنین پایین، این موضوع از حیث نظری و علمی قابل طرح بوده و افزایش خطر مرگ به علت باروری در سنین پایین، بخشی از گزاره‌های پذیرفته شده در نظام سلامت و مراقبت است. با این حال از جهت واقعی و عینی، به دلیل تحولات رخ داده در این زمینه



چنین خطری در سطح بسیار ناچیزی وجود دارد و قابل استناد نیست. در واقع تعداد مرگ‌ومیرهای ناشی از بارداری در این گروه سنی نزدیک به صفر است.

#### ۴. رضایت جنسی

یافته‌های برخی تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که رضایت جنسی در افرادی که در سنین پایین ازدواج کرده‌اند درصد بالایی دارد. در این زمینه نیز به دلیل وجود برخی شواهد در خصوص رضایت جنسی پایین در بعضی از موارد، ضرورت توجه به این موضوع محرز می‌گردد. از این رو در نظر گرفتن اقداماتی نظیر آموزش به زوجین به عنوان شرط لازم برای هر نوع امکان ازدواجی ضروری به نظر می‌رسد.

#### ۵. خشونت خانگی

هرچند آمار رسمی قابل استنادی در زمینه خشونت خانگی وجود ندارد، اما نتایج حاصله از پژوهش‌های صورت گرفته ادعای منتقدین ازدواج در سنین پایین در مورد ارتباط سن پایین با افزایش خطر خشونت علیه زنان را تأیید نمی‌کند. در این مورد هم برخی گزارش‌ها مواردی از خشونت‌های کلامی و بدنی در ازدواج‌های سنین پایین را مطرح کرده و در نتیجه ضرورت توجه به این بُعد از مسئله نیز در کنار سایر ابعاد مطرح شده در ارتباط با موضوع بحث وجود دارد.

۶. **عدم رعایت حقوق کودکی، ناتوانی در اداره امور زندگی و مداخلات آسیب‌زننده خانواده‌ها**  
این موارد صرفاً براساس وضعیت سنی این افراد و ویژگی‌های این بازه سنی مطرح شده و با توجه به اینکه فاقد تحقیقات و شواهد تجربی است، قابل استناد نیست. در واقع این گمانه‌زنی در خصوص وضعیت احتمالی افراد در این موقعیت‌ها با شواهد تجربی تأیید یا رد نشده و از همین روی امکان استناد به آن وجود ندارد.

#### ۷. اجباری بودن و فقدان بلوغ فکری و اجتماعی

اگرچه اجباری بودن و فقدان بلوغ فکری و اجتماعی در بیشتر منابع مربوط به ازدواج در سنین پایین به عنوان ویژگی این ازدواج‌ها در نظر گرفته شده است، اما همچون مورد قبل، فاقد هرگونه شواهد تجربی است. علاوه بر اینکه طرح مسئله بلوغ فکری و اجتماعی همزمان با غفلت از مسئله بلوغ جنسی و در مواردی نادیده گرفتن آن است. از همین رو در بیشتر بحث‌های مطرح شده در این موضوع که جنبه نظری و ذهنی دارد، مسئله بلوغ جنسی و نحوه پاسخ‌دهی به آن مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد.

از سوی دیگر، از حیث قوانین و مقررات بین‌المللی و عرف جهانی در خصوص سن مناسب ازدواج اگرچه سن مشخص و واحدی وجود ندارد، اما نوعی تمایل عمومی به سمت سنین بالای ۱۵ سال برای دختران و ۱۸ سال برای پسران دیده می‌شود و به نظر می‌رسد به دلیل همین واقعیت و مصلحت ناشی از آن نیز مجمع تشخیص مصلحت نظام قانون حداقل سن ازدواج در کشور را تغییر داده است.

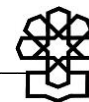
بررسی موضوع «ازدواج در سنین پایین» و «سن مناسب ازدواج» نشان می‌دهد که برخلاف بزرگ‌نمایی صورت گرفته در این حوزه، وضعیت این موضوع آن‌گونه که گفته می‌شود بحرانی و حاد نیست که به‌موجب آن لزوم تغییر کامل احکام شرعی و قانونی در ارتباط با موضوع آشکار گردد. همچنین به‌دلیل محدودیت دایره نفوذ قانون در مناطقی که این ازدواج‌ها در آن صورت می‌گیرد، هرگونه استفاده غیرهوشمندانه از ابزار قانون می‌تواند موجب گسترش ازدواج‌های غیرثبتی و در نتیجه محرومیت مضاعف افراد ازدواج کرده در این سنین باشد.

با توجه به مباحث مطرح شده پیشنهاد مرکز پژوهش‌های مجلس **ترمیم رویه حاکم بر نظام حقوقی ایران** با هدف دقیق‌تر شدن نظام حقوقی از طریق اضافه کردن موارد زیر به شرایط ازدواج در سنین پایین است:

۱. تخصصی شدن تشخیص اهلیت و صلاحیت افراد برای ازدواج با مشارکت دستگاه‌هایی چون وزارت بهداشت، سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره، نیروی انتظامی.
  ۲. ممنوعیت مطلق ازدواج با دختری که به بلوغ جنسی نرسیده و جرم‌انگاری آن.
  ۳. ممنوعیت مطلق فواصل غیرطبیعی سن زوجه و زوج و جرم‌انگاری آن.
  ۴. جرم‌انگاری ممانعت از تحصیل دختران متأهل در مدارس روزانه.
  ۵. ایجاد تکلیف قانونی برای ارائه خدمات و گذراندن دوره‌های مهارت‌های زندگی در قالب مشاوره پیش از ازدواج و ارائه گواهی آن به دفاتر ثبت به‌عنوان یکی از شروط صدور اجازه ازدواج.
- موارد یاد شده در قالب پیش‌نویس قانونی در گزارشی مستقل براساس مبانی فقهی و شرعی به‌صورت تفصیلی ارائه خواهد شد.

### بیان مسئله و روش تحقیق

مسئله «سن مناسب ازدواج» که شکل حقوقی آن «سن قانونی ازدواج» است یکی از مسائلی است که در سال‌های اخیر، ازسوی برخی رسانه‌ها، گروهی از فعالان زن و حقوق‌کودک و برخی محیط‌های سیاستگذاری مورد بررسی قرار گرفته و ایجاد تغییر در آن و به‌صورت خاص افزایش سن قانونی ازدواج دختران و پسران در جامعه به‌عنوان یک مطالبه ازسوی این گروه‌ها و جریان‌ها مطرح شده است. اگرچه از نظر شرعی محدودیتی برای سن ازدواج در نظر گرفته نشده است و امکان ازدواج برای دختران در همه سنین وجود دارد، با این حال با استناد به برخی ملاحظات و مصلحت‌های زمانی و مکانی و با تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام از حیث قانونی حداقل سن قانونی ازدواج برای دختران ۱۳ سال و برای پسران ۱۵ سال تعیین شده و ازدواج زیر این سن منوط به کسب اجازه از دادگاه شده است. علی‌رغم چنین تغییری بحث‌های جدیدی حول محور این موضوع شکل گرفته که با



توجه به تغییرات ایجاد شده در موضوع حکم و همچنین با توجه به مصلحت‌های زمانی و مکانی ایجاد شده درباره موضوع، بر تغییر احکام قانونی و به‌صورت مشخص افزایش سن قانونی ازدواج تمرکز دارد. دو محور اصلی استدلال ارائه شده درباره ضرورت تغییر حکم و قوانین مربوط به سن ازدواج، پیامدهای منفی و زیانبار این مسئله برای دختران و فشارهای بین‌المللی ناشی از قواعد حقوقی بین‌المللی می‌باشد. براساس این و با توجه به اینکه از یکسو اسناد بین‌المللی از قبیل کنوانسیون حقوق کودک بر حداقل سن ۱۸ سال تأکید کرده و این سن را مبنای نوعی مطالبه‌گری از کشورهای مختلف قرار داده و ازسوی دیگر به‌دلیل پیامدها و آثار نامطلوب ازدواج در سنین پایین، مسئله ضرورت تغییر حکم شرعی و قانونی سن ازدواج مطرح شده است (احمدی، کامیل، ۱۳۹۶).

بخش عمده تشکیل کمپین‌ها، مصاحبه با رسانه‌ها، انتشار کتب، برپایی همایش‌های متعدد،<sup>۱</sup> برگزاری جلسات با مسئولان و سیاستگذاران<sup>۲</sup> برای نشان دادن ضرورت مداخله قانونگذاران و مسئولان با هدف بیان تغییرات ایجاد شده در موضوع و پیامدهای نامطلوب آن انجام می‌شود. در نتیجه همین تلاش‌ها و با هدف جلوگیری از آسیب‌های احتمالی این الگوی ازدواج، در مجلس شورای اسلامی طرح‌های قانونی برای ایجاد تغییر در این موضوع ارائه شده که دو شکل متفاوت دارد:

#### ۱. طرح افزایش سن ازدواج: افزایش سن قانونی ازدواج به ۱۵ یا ۱۸ سال.

۲. طرح اصلاح شرایط اجازه ازدواج: اصلاح قانون برای ازدواج زیر ۱۳ سال به شکلی که تنها افرادی که شرایط لازم برای ازدواج را دارند، بتوانند ازدواج کنند.

این طرح‌های قانونی و فتاوی مورد اشاره، تغییر ایجاد شده در موضوع و به‌تبع آن مصلحت‌های زمانی و مکانی را مفروض گرفته و براساس آن تلاش کرده‌اند تا در حکم شرعی و قانونی موضوع تغییر ایجاد کنند.

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا موضوع مورد بحث دچار تغییر و دگرگونی شده است به‌گونه‌ای که نیازمند تغییر در احکام شرعی و قانونی باشد؟ به‌عبارت دیگر مسئله این است که وضعیت موضوع مورد بحث یعنی «سن ازدواج در کشور» به‌خصوص ازدواج در سنین پایین (گروه سنی ۱۴ سال و کمتر) چگونه است و چه تغییراتی در این موضوع صورت گرفته و ابعاد و پیامدهای این موضوع چیست؟ و آیا این وضعیت به‌گونه‌ای است که بتوان براساس آن مطالبه تغییر احکام شرعی و قانونی را از باب تغییر موضوع و مصلحت‌های زمانی و مکانی داشت؟

با توجه به هدف نهایی این پژوهش، روش مورد استفاده در این تحقیق روش تحلیل ثانویه است.

۱. همایش‌های متعددی در سال‌های اخیر توسط سازمان‌های مردمنهاد در این زمینه برگزار شده است. همایش بررسی ازدواج کودکان توسط سازمان مردمنهاد جمعیت امام علی در تاریخ ۱۳۹۵/۹/۲۱، همایش ازدواج کودکان توسط سازمان مردمنهاد انجمن حمایت از کودکان در تاریخ ۱۳۹۴/۸/۴، همایش جهانی به‌سوی امنیت و عدالت برای زنان در تاریخ ۱۳۹۶/۹/۲ از جمله همایش‌ها و سیمینارهای برگزار شده با موضوع ازدواج کودکان هستند.

۲. جلساتی با محوریت این موضوع با حضور نمایندگان فراکسیون زنان و سازمان‌های مردمنهاد فعال در این حوزه تشکیل شده است.

در این روش داده‌های گردآوری شده موجود مجدداً مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است و به سؤالات تحقیق پاسخ داده می‌شود. همچنین در این روش هیچ داده‌ای به‌طور مستقیم تولید نمی‌شود و به‌جای آن تجزیه و تحلیل مجموعه‌ای از اطلاعات اولیه صورت می‌گیرد. این روش علاوه بر اینکه باعث صرفه‌جویی در منابع مالی و انرژی می‌شود، به‌دلیل آنکه این داده‌ها توسط پژوهشگران متخصص گردآوری شده یا داده‌های موجود مربوط به تحقیقات صورت گرفته توسط یک دستگاه دولتی است دارای اعتبار قابل توجهی می‌باشد. برای انجام تحقیق پیش‌رو در بخش نخست، وضعیت موجود مورد بررسی قرار گرفته است.

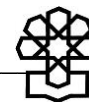
در این بخش و پیش از ورود به طرح مسئله لازم است منظور این گزارش از ازدواج در سنین پایین را نیز مشخص کنیم. درخصوص مصداق ازدواج در سنین پایین اختلاف نظر وجود دارد و برخی حتی ازدواج‌های زیر ۲۴ سال را نیز ازدواج در سنین پایین در نظر گرفته‌اند. برای مثال قانعی راد و عزلتی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان بررسی انتقادی تشخیص و سیاستگذاری در مسائل خانواده و ازدواج به نقل از افتخار و همکاران این گونه نتیجه گرفته‌اند که «ازدواج در سن پایین که با عدم بلوغ فکری - اجتماعی دختران همراه است بر میزان خشونت خانوادگی می‌افزاید». این نتیجه‌گیری درحالی انجام شده است که براساس نتایج تحقیق افتخار و همکاران (۱۳۸۳) «نزدیک به ۸۵ درصد از قربانیان (۱۸۳ پاسخگو) در ۲۴ سالگی یا کمتر ازدواج کرده‌اند ... و ۴۷ درصد قربانیان هنگام ازدواج ۱۹ ساله بوده‌اند». پایین‌ترین سن مورد اشاره در این تحقیق ۱۶ سالگی است. درواقع به‌نظر می‌رسد قانعی راد و عزلتی ازدواج در سن پایین را زیر ۲۴ سال در نظر گرفته‌اند! با این حال به‌طور کلی ازدواج زیر ۱۸ سال و علی‌الخصوص زیر ۱۴ سال برای دختران به‌عنوان مصداق ازدواج در سنین پایین در نظر گرفته می‌شود. در این گزارش منظور از ازدواج در سنین پایین بازه سنی ۱۰ تا ۱۴ سال است.

### فصل اول - وضعیت ازدواج دختران در سن پایین در کشور

بالاترین فراوانی ازدواج دختران در کشور در گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ سال با ۱۹۶ هزار و ۵۲۹ مورد و گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال با ۲۰۴ هزار و ۲۰۲ مورد قرار دارد.

براساس آخرین پیمایش‌های ملی انجام شده مناسب‌ترین سن برای ازدواج از نظر اکثر پاسخ‌دهندگان (۴۷ درصد) ۱۶ تا ۲۰ سال اعلام شده است (پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌ها، ۱۳۹۴). با این حال برخی تحقیقات محلی به سن ۲۰ تا ۲۳ سالگی به‌عنوان سن مناسب برای ازدواج دختران اشاره کرده‌اند (عسکری ندوشن و همکاران، ۱۳۸۸؛ حسن‌زاده، ۱۳۹۰). در عین حال، با توجه به گزارش مرکز آمار در سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ میانگین سن در اولین ازدواج زنان در نقاط شهری ۲۳/۴ و در مناطق روستایی ۲۲ سال برآورد شده و این شاخص برای مردان در نقاط





شهری ۲۷/۸ و در مناطق روستایی ۲۶/۵ سال می‌باشد. طبق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در سه دهه اخیر شاهد افزایش میانگین سن ازدواج برای هر دو جنس هستیم که این افزایش در زنان چشمگیرتر از مردان بوده است (ارحامی، مرتجی، ۱۳۹۵). همچنین طی سالیان گذشته سن ازدواج زنان در روستاها نیز افزایش چشمگیری داشته و براساس این هرچند در گروه سنی ۱۴ سال و کمتر نیز ثبت ازدواج وجود داشته است، اما به‌طور کلی آمار و گزارش‌ها، حاکی از بالا رفتن سن ازدواج در کشور است (سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۹۵). به‌گونه‌ای که میانگین سن ازدواج زنان در کشور ۲۳ سال اعلام شده است، اما به‌دلیل وجود واریانس بالا این میانگین نمی‌تواند مبنای قضاوت قرار گیرد. همان‌طور که گفته شد فراوانی ازدواج‌ها براساس داده‌های سازمان ثبت احوال کشور در پنج سال اخیر نشان می‌دهد که بیشترین سهم ازدواج‌های ثبت شده مربوط به ترکیب سنی زنان ۱۵ تا ۱۹ سال و ۲۰ تا ۲۴ سال و مردان ۲۰ تا ۲۴ سال است. بنابراین در سیمای کلی ازدواج و مقایسه گروه‌های سنی مختلف، از جهت عینی و واقعی و همچنین از جهت ذهنی و نگرش مردم به این موضوع، گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ سال برای ازدواج دختران مناسب دانسته شده است.

#### ۱. وضعیت ازدواج در گروه سنی ۱۴ سال و کمتر (برحسب سن زوجه)

در پنج سال گذشته در گروه سنی دختران ۱۴ سال و کمتر، به‌طور میانگین هر ساله ۴۰ هزار ازدواج به‌طور قانونی ثبت شده است. جدول زیر وضعیت این ازدواج‌ها را نشان می‌دهد:

جدول ۱. وضعیت ازدواج در گروه سنی ۱۴ سال و کمتر در پنج سال اخیر<sup>۱</sup>

| سال  | کل ازدواج‌های ثبت شده در سال | ازدواج‌های ثبت شده گروه ۱۴ سال و کمتر (زوجه) | درصد تغییرات نسبت به سال قبل | درصد ازدواج این گروه سنی به کل ازدواج‌ها |
|------|------------------------------|--|------------------------------|--|
| ۱۳۹۱ | ۸۲۹,۹۶۸                      | ۴۰,۶۵۱                                       | ۲/۱                          | ۴/۹                                      |
| ۱۳۹۲ | ۷۴۴,۵۱۳                      | ۴۱,۴۳۷                                       | ۱/۹                          | ۵/۳                                      |
| ۱۳۹۳ | ۷۲۴,۳۲۴                      | ۴۰,۴۰۴                                       | -۲/۵                         | ۵/۶                                      |
| ۱۳۹۴ | ۶۸۵,۳۵۲                      | ۳۷,۱۱۷                                       | -۸/۱                         | ۵/۴                                      |
| ۱۳۹۵ | ۷۰۴,۷۱۶                      | ۳۹,۲۷۹                                       | ۵/۸                          | ۵/۶                                      |

مأخذ: سالنامه آماری سازمان ثبت احوال.

همان‌طور که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود در سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ ازدواج‌های در سنین پایین برحسب سن زوجه ۴/۹ تا ۵/۶ درصد از کل ازدواج‌های ثبت شده در کشور را به‌خود اختصاص داده است. با توجه به داده‌های آماری در پنج سال اخیر ازدواج‌های ثبت شده در گروه جمعیتی

۱. سالنامه‌های آماری سازمان ثبت احوال.

دختران ۱۴ سال و کمتر، دارای نوساناتی بوده است. به‌عنوان مثال، در سال ۱۳۹۱ روند صعودی ۲ درصدی داشته و در سال ۱۳۹۲ تغییر چندانی نکرده است، اما در سال ۱۳۹۳ با نرخ ۲/۵- دچار کاهش شده و این سیر نزولی در سال ۱۳۹۴ نیز به چشم می‌خورد. اما در سال ۱۳۹۵ بار دیگر روند صعودی را طی کرده است. طبق این آمار، ازدواج در این گروه سنی رو به افزایش نبوده و با آهنگی کند دارای نوسان است. با این حال باید این نکته را در نظر داشت که احتمالاً به‌دلیل محدودیت‌های قانونی، فرهنگ عمومی و همچنین مناطق جغرافیایی که چنین ازدواج‌هایی در آن شایع است، آمار واقعی ازدواج‌ها در این گروه سنی بیش از آمار رسمی موجود می‌باشد، بنابراین می‌توان درصد قابل توجهی از ازدواج‌های غیرثبتي را در این گروه سنی لحاظ کنیم. همچنین باید به این نکته توجه داشت که این ازدواج بیشتر در بین جمعیت اتباع غیرایرانی روی می‌دهد و در تمام استان‌های کشور دارای پراکندگی است.

آمارهای موجود از ازدواج‌های ثبت شده در گروه سنی ۱۴-۱۰ سال، ۳۹ هزار و ۴۵ مورد و در گروه سنی زیر ۱۰ سال ۲۳۳ مورد می‌باشد که نشان می‌دهد، داشتن حداقل سن ۱۰ سال در موضوع سن ازدواج در جامعه نیز رعایت می‌شود.

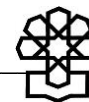
## ۲. پراکندگی ازدواج در گروه سنی ۱۴ سال و کمتر برحسب سن زوجه<sup>۱</sup> به‌لحاظ جغرافیایی

پراکندگی جغرافیایی ازدواج در گروه جمعیتی ۱۴ سال و کمتر را می‌توان از دو جهت بررسی کرد:

۱. از حیث نسبت ازدواج‌های گروه سنی ۱۴ سال و کمتر به کل ازدواج‌های صورت گرفته که این شاخص بیانگر تعداد ازدواج‌ها در گروه سنی ۱۴ سال و کمتر در برابر هر صد ازدواج است.
۲. از حیث تعداد ازدواج‌های ثبت شده در هر استان که براساس نوع بررسی، استان‌ها در رتبه‌های متفاوتی دسته‌بندی می‌شوند.

---

۱. اطلاعات گردآوری شده در سالنامه‌های آماری ثبت احوال با دو دسته‌بندی سنی زوج و زوجه تدوین شده است. با توجه به اینکه در بحث ازدواج‌های زودهنگام به مسائل دختران توجه بیشتری صورت می‌گیرد، در این گزارش از اطلاعات آماری زوجه استفاده شده است.



جدول ۲. پراکندگی ازدواج در گروه سنی ۱۴ سال و کمتر (برحسب سن زوجه) به لحاظ جغرافیایی

براساس تعداد و نسبت به کل ازدواج‌های ثبت شده در سال ۱۳۹۵

| رتبه استانی | نام استان           | کل ازدواج‌ها در استان | تعداد زوجه کمتر از ۱۰ سال | درصد به کل ازدواج‌ها | تعداد زوجه ۱۰ تا ۱۴ | درصد به کل ازدواج‌ها | جمع درصد |
|-------------|---------------------|-----------------------|---------------------------|----------------------|---------------------|----------------------|----------|
| ۱           | زنجان               | ۱۰,۸۱۸                | ۱۶                        | ۰/۱۴                 | ۱,۴۶۹               | ۱۳/۵۷                | ۱۳/۷۱    |
| ۲           | آذربایجان شرقی      | ۳۵,۵۶۵                | ۳                         | ۰/۰۰۸                | ۴,۱۶۲               | ۱۱/۷۰                | ۱۱/۷۰    |
| ۳           | خراسان شمالی        | ۹,۶۹۴                 | ۶                         | ۰/۰۶                 | ۱,۱۰۲               | ۱۱/۳۶                | ۱۱/۴۲    |
| ۴           | خراسان رضوی         | ۶۰,۵۳۶                | ۱۱                        | ۰/۰۱                 | ۶,۸۰۹               | ۱۱/۲۴                | ۱۱/۲۵    |
| ۵           | اردبیل              | ۱۳,۸۳۳                | ۴                         | ۰/۰۲                 | ۱,۵۱۶               | ۱۰/۹۵                | ۱۰/۹۷    |
| ۶           | همدان               | ۱۷,۰۳۶                | ۶                         | ۰/۰۳                 | ۱,۷۶۰               | ۱۰/۳۳                | ۱۰/۳۶    |
| ۷           | سیستان و بلوچستان   | ۲۸,۴۲۳                | ۳۴                        | ۰/۱۵                 | ۲,۵۰۳               | ۸/۸۰                 | ۸/۹۵     |
| ۸           | قزوین               | ۱۰,۲۷۰                | ۰                         | ۰                    | ۹۰۷                 | ۸/۸۳                 | ۸/۸۳     |
| ۹           | خراسان جنوبی        | ۷,۳۵۰                 | ۰                         | ۰                    | ۴۵۴                 | ۶/۱۷                 | ۶/۱۷     |
| ۱۰          | لرستان              | ۱۹,۰۰۲                | ۱۰                        | ۰/۰۵                 | ۱,۱۰۵               | ۵/۸۱                 | ۵/۸۶     |
| ۱۱          | قم                  | ۱۰,۲۰۶                | ۶                         | ۰/۰۵                 | ۵۷۸                 | ۵/۶۶                 | ۵/۷۱     |
| ۱۲          | خوزستان             | ۵۰,۴۷۰                | ۳۹                        | ۰/۰۷                 | ۲,۶۰۰               | ۵/۱۵                 | ۵/۲۲     |
| ۱۳          | مرکزی               | ۱۱,۰۳۹                | ۱                         | ۰/۰۰۹                | ۵۶۲                 | ۵/۰۹                 | ۵/۰۹     |
| ۱۴          | گلستان              | ۱۸,۶۰۸                | ۶                         | ۰/۰۳                 | ۹۱۴                 | ۴/۹۱                 | ۴/۹۴     |
| ۱۵          | هرمزگان             | ۱۵,۷۶۳                | ۱۱                        | ۰/۰۶                 | ۷۲۳                 | ۴/۵۸                 | ۴/۶۴     |
| ۱۶          | آذربایجان غربی      | ۳۳,۳۲۸                | ۱۱                        | ۰/۰۳                 | ۱,۵۳۳               | ۴/۵۹                 | ۴/۶۲     |
| ۱۷          | بوشهر               | ۸,۵۲۱                 | ۲                         | ۰/۰۲                 | ۳۸۸                 | ۴/۵۵                 | ۴/۵۷     |
| ۱۸          | کرمان               | ۲۷,۱۳۲                | ۲                         | ۰/۰۱                 | ۱,۲۰۶               | ۴/۴۴                 | ۴/۴۵     |
| ۱۹          | یزد                 | ۸,۵۵۵                 | ۰                         | ۰                    | ۳۷۹                 | ۴/۴۳                 | ۴/۴۳     |
| ۲۰          | فارس                | ۴۲,۷۷۷                | ۱۵                        | ۰/۰۳                 | ۱,۸۷۲               | ۴/۳۷                 | ۴/۴      |
| ۲۱          | مازندران            | ۲۵,۶۲۳                | ۱                         | ۰/۰۰۳                | ۹۰۵                 | ۳/۵۳                 | ۳/۵۳     |
| ۲۲          | کرمانشاه            | ۱۹,۹۱۳                | ۷                         | ۰/۰۳                 | ۶۳۵                 | ۳/۱۸                 | ۳/۲۱     |
| ۲۳          | ایلام               | ۶,۰۶۰                 | ۵                         | ۰/۰۸                 | ۱۸۷                 | ۳/۰۸                 | ۳/۱۶     |
| ۲۴          | کردستان             | ۱۷,۰۱۲                | ۴                         | ۰/۰۲                 | ۵۲۳                 | ۳/۰۷                 | ۳/۰۹     |
| ۲۵          | گیلان               | ۲۱,۴۴۸                | ۱                         | ۰/۰۰۴                | ۶۴۴                 | ۳                    | ۳        |
| ۲۶          | کهگیلویه و بویراحمد | ۷,۹۱۹                 | ۴                         | ۰/۰۵                 | ۲۳۰                 | ۲/۹۰                 | ۲/۹۵     |
| ۲۷          | البرز               | ۱۸,۴۱۸                | ۱                         | ۰/۰۰۵                | ۴۵۳                 | ۲/۴۵                 | ۲/۴۵     |
| ۲۸          | چهارمحال و بختیاری  | ۹,۸۸۶                 | ۵                         | ۰/۰۵                 | ۲۷۲                 | ۲/۷۵                 | ۲/۸      |
| ۲۹          | سمنان               | ۴,۲۹۲                 | ۰                         | ۰                    | ۱۱۲                 | ۲/۶۰                 | ۲/۶      |
| ۳۰          | اصفهان              | ۳۷,۶۲۸                | ۶                         | ۰/۰۱                 | ۷۶۳                 | ۲/۰۲                 | ۲/۰۳     |
| ۳۱          | تهران               | ۹۷,۵۹۱                | ۵                         | ۰/۰۰۵                | ۱,۷۷۰               | ۱/۸۱                 | ۱/۸۱     |

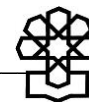
مأخذ: سالنامه آماری سازمان ثبت احوال، ۱۳۹۵.

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود در سال ۱۳۹۵ براساس نسبت ازدواج در گروه سنی ۱۴ سال و کمتر برحسب سن زوجه، به کل ازدواج‌های ثبت شده در هر استان، زنجان با رقم ۱۳/۷ درصد بالاترین درصد افراد ازدواج کرده در این گروه سنی را در کل استان‌های کشور، به‌خود اختصاص داده است. استان آذربایجان شرقی با ۱۱/۷ درصد و استان خراسان شمالی با ۱۱/۴ درصد در رتبه‌های دوم و سوم قرار گرفته‌اند و سه استانی که کمترین درصد را به‌خود اختصاص داده‌اند عبارتند از: سمنان، اصفهان و تهران.

براساس تعداد ازدواج ثبت شده در این گروه سنی، سه استانی که بیشترین تعداد ازدواج زوجه در گروه سنی ۱۴ سال و کمتر در آنها ثبت شده عبارتند از: استان خراسان رضوی با ۶,۸۰۹ واقعه ازدواج ثبت شده، استان آذربایجان شرقی با ۴,۱۶۲ واقعه ازدواج ثبت شده، استان خوزستان با ۲,۶۰۰ واقعه ازدواج ثبت شده. در مقابل، کمترین تعداد ازدواج‌های ثبت شده در این گروه جمعیتی مربوط است به استان‌های سمنان با ۱۱۲ واقعه ازدواج ثبت شده، ایلام با ۱۸۷ واقعه ازدواج ثبت شده و کهگیلویه و بویراحمد با ۲۳۰ واقعه ازدواج ثبت شده.

علی‌رغم رده‌بندی استان‌ها براساس آمار رسمی برخی پژوهش‌های میدانی نتایج متفاوتی را از بیشترین میزان شیوع ازدواج در سنین پایین ارائه می‌کنند. یافته‌های کتاب طنین سکوت با عنوان فرعی «پژوهشی جامع در باب ازدواج زودهنگام در ایران» نشان داده است که ازدواج و طلاق کودکان در هفت استان ۱. خراسان رضوی، ۲. آذربایجان شرقی، ۳. خوزستان، ۴. سیستان و بلوچستان، ۵. آذربایجان غربی، ۶. هرمزگان و ۷. اصفهان بیشترین فراوانی را به‌خود اختصاص داده است» (احمدی، کامیل، ۱۳۹۶). استان‌های اصفهان و هرمزگان درحالی در این پژوهش به‌عنوان استان‌های دارای بیشترین فراوانی ازدواج در سنین پایین ذکر شده است که طبق آمار رسمی ثبت شده اصفهان به همراه تهران، آخرین استان و هرمزگان در رتبه ۱۵ ازدواج در این گروه سنی قرار دارد. همچنین درحالی که تعداد ازدواج‌های در سن پایین نسبت به کل ازدواج‌ها در این استان‌ها در بالاترین نسبت ۱۳ درصد بوده در این تحقیقات بین ۳۰ تا ۴۰ درصد در نظر گرفته شده است (همان) که یک دلیل آن می‌تواند این باشد که ازدواج‌های زیر ۱۸ سال را معیار ازدواج در سنین پایین لحاظ کرده است.

بنابراین با توجه به جدول ۲ ازدواج در گروه سنی ۱۴ سال و کمتر برحسب سن زوجه، در تمام استان‌های کشور مشاهده می‌شود، اما نوع این استان‌ها از حیث توسعه‌یافتگی و محروم بودن به‌گونه‌ای است که نمی‌توان حکم یکسان و واحدی را درباره آنها صادر کرد. برای مثال استان‌های محرومی چون کهگیلویه و بویراحمد و ایلام دارای رتبه بسیار پایین و استان آذربایجان شرقی و خراسان رضوی که دارای استانداردهای توسعه بسیار بالاتری است دارای رتبه بالا در این موضوع هستند. با توجه به مسئله حاشیه‌نشینی در بیشتر استان‌های کشور ممکن است این مسئله با این موضوع مرتبط باشد که پژوهش قابل استناد در دسترسی در این‌باره وجود ندارد.



### ۳. فاصله سنی زوجین در زمان ازدواج

شاخص دیگری که در بررسی وضعیت ازدواج مورد استفاده قرار می‌گیرد تفاوت سنی مردان و زنان در مقوله ازدواج است. این شاخص به بررسی این موضوع می‌پردازد که بیشترین ازدواج‌ها با کدام فاصله سنی میان زوجین روی داده و نیز الگوی ازدواج از لحاظ تفاوت سنی زوجین به چه صورت است. جدول ۳ وضعیت تفاوت سنی را نشان می‌دهد:

#### جدول ۳. فاصله سنی زوجین در ازدواج‌های با گروه سنی کمتر

از ۱۴ سال زوجه سال ۱۳۹۵

| فاصله سنی زوج و زوجه | زوجه ۱۰ تا ۱۴ سال | زوجه کمتر از ۱۰ سال | زوجه           |
|----------------------|-------------------|---------------------|----------------|
|                      |                   |                     | زوج            |
| کمتر از ۵ سال        | ۱۱۷               | ۲۹                  | کمتر از ۱۵ سال |
| ۵-۹                  | ۵,۹۴۱             | ۶۶                  | ۱۵ تا ۱۹       |
| ۱۰-۱۴                | ۲۲,۲۶۸            | ۷۲                  | ۲۰ تا ۲۴       |
| ۱۵-۱۹                | ۹,۴۴۷             | ۴۰                  | ۲۵ تا ۲۹       |
| ۲۰-۲۴                | ۱,۰۳۹             | ۹                   | ۳۰ تا ۳۴       |
| ۲۵-۲۹                | ۱۲۹               | ۹                   | ۳۵ تا ۳۹       |
| ۳۰-۳۴                | ۵۹                | ۴                   | ۴۰ تا ۴۴       |
| ۳۵-۳۹                | ۲۶                | ۳                   | ۴۵ تا ۴۹       |
| ۴۰-۴۴                | ۷                 | ۰                   | ۵۰ تا ۵۴       |
| ۴۵-۴۹                | ۷                 | ۰                   | ۵۵ تا ۵۹       |
| ۵۰-۵۴                | ۲                 | ۱                   | ۶۰ تا ۶۴       |
| ۵۵-۵۹                | ۳                 | ۰                   | ۶۵ تا ۶۹       |
| ۶۰-۶۴                | ۰                 | ۰                   | ۷۰ تا ۷۴       |
| ۶۵ و بیشتر           | ۰                 | ۰                   | ۷۵ و بیشتر     |
|                      | ۳۹,۰۴۵            | ۲۳۳                 | جمع            |

مأخذ: سالنامه آماری سازمان ثبت احوال.

آمارهای ارائه شده ازسوی سازمان ثبت احوال در مورد فاصله سنی زوجین در ازدواج‌هایی که زوجه در گروه سنی ۱۴ سال و کمتر قرار دارد طی پنج سال اخیر، نشان می‌دهد که بیشترین ازدواج‌های ثبت شده با فاصله سنی ۱۰ سال بوده است. به عبارت دیگر، بیشترین ازدواج‌های ثبت شده دختران گروه سنی ۱۴ سال و کمتر با پسران گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال بوده است و فاصله سنی ۱۵ تا ۲۰ سال زوج با زوجه با تعداد ۹ هزار و ۴۷۸ مورد ازدواج، گروه سنی دوم ازدواج است و فاصله سنی ۵ تا ۹ سال زوجه با زوج با ۵ هزار و ۹۴۱ نفر سومین گروه سنی است. با این حال فاصله‌های سنی ۲۰ تا ۲۴ سال با یک هزار و ۴۸ مورد، ۲۵ تا ۲۹ سال با ۱۳۸ مورد، ۳۰ تا ۳۴ سال با ۶۳ مورد، ۳۵ تا ۳۹ سال با ۲۹ مورد، ۴۰ تا ۴۴ سال و ۴۵ تا ۴۹ سال هر کدام با ۷ مورد، ۵۰ تا ۵۴ سال و ۵۵ تا ۵۹ سال نیز با ۳ مورد ازدواج، موارد خاص و فاصله‌های سنی

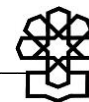
غیرطبیعی در ازدواج هستند. وجود ۱ مورد ازدواج زوج با فاصله ۵۰ تا ۵۴ سال با زوجه زیر ۱۰ سال حادثترین و مسئله‌دارترین وجه مربوط به این موضوع است.

بنابراین در یک جمع‌بندی کلی براساس شاخص‌های جمعیت‌شناختی چنین به نظر می‌رسد که درخصوص موضوع مورد بحث یعنی سن مناسب ازدواج از حیث عینی و ذهنی گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ سال به‌عنوان گروه سنی مناسب در جامعه ایران دانسته می‌شود. در ازدواج‌های سنین پایین و به‌صورت خاص گروه سنی ۱۴ سال و کمتر دختران، براساس آمارهای ارائه شده این ازدواج ازسوی سازمان ثبت احوال ۵/۵ درصد از ازدواج‌های کل کشور را به‌خود اختصاص می‌دهد (جدول ۱). از حیث تمرکز ازدواج‌ها، بیشترین ازدواج‌ها در گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ سال قرار دارد و ازدواج‌های زیر ۱۰ سال بسیار محدود بوده و حدود ۲۳۳ مورد است. از حیث پراکندگی جغرافیایی ازدواج در گروه‌های سنی ۱۴ سال و کمتر در همه استان‌های کشور وجود دارد و از جهت توسعه‌یافتگی یا عدم توسعه‌یافتگی نیز از الگوی مشخصی تبعیت نمی‌کند. این مسئله نشان می‌دهد که موضوع ازدواج در سن ۱۴ سال و کمتر بیشتر تابع متغیرهای فرهنگی است. بیشترین فراوانی فاصله سنی میان زوج و زوجه در این‌گونه ازدواج‌ها نیز فاصله سنی ۱۰ سال است. با این‌حال در بررسی این بخش مشخص شد که درخصوص موضوع مورد بحث، وجود فاصله‌های سنی غیرطبیعی میان زوج و زوجه هرچند با فراوانی کم به چشم می‌خورد و این مسئله مهمترین وجه غیرعادی در مسئله ازدواج در این گروه سنی از جهت بررسی‌های جمعیت‌شناختی است. درواقع با معیار بررسی متغیرهای جمعیت‌شناختی، مهمترین نکته درخصوص موضوع مورد بحث وجود مواردی از فاصله‌های غیرطبیعی در ازدواج‌های ثبت شده است. همین مورد فاصله‌های غیرطبیعی یکی از دلایل و شواهدی است که در تغییر ایجاد شده در موضوع مورد استناد قرار می‌گیرد. اگرچه این مورد دلیلی بر تغییر موضوع نیست، اما جزء مواردی است که می‌تواند در تغییر احکام مربوط به موضوع مورد توجه باشد.

## فصل دوم – آثار و پیامدها

مهمترین دلایلی که برای تغییر موضوع و ضرورت تغییر احکام مرتبط با آن ارائه شده است به آسیب‌ها و پیامدهایی بازمی‌گردد که ازدواج در سنین پایین به همراه دارد. پیامدها و آثاری که به موضوع ازدواج در سنین پایین و به‌صورت خاص زیر ۱۴ سال نسبت داده می‌شود، دلیل اصلی ارائه شده برای ضرورت تغییر احکام شرعی و قانونی این موضوع است.

از این نظر ازدواج در سنین پایین دارای پیامدهایی است که نه‌تنها زندگی فرد را به مخاطره می‌اندازد، بلکه پیامدهایی را نیز برای زندگی جمعی داشته و به آسیب‌های اجتماعی دامن می‌زند.



مطلقه شدن دختران در سن پایین و خطرات آن، ترک تحصیل و کاهش توانمندی دختران، بارداری زودهنگام، مرگ‌ومیر بیشتر در حین زایمان، عدم رضایت از رابطه جنسی و اجباری بودن بیشتر این رابطه‌ها، خشونت خانگی، بزرگ شدن زودهنگام و تزییع حق کودکی، ناتوانی در اداره امر زندگی و مداخله خانواده‌ها در زندگی زوجین از جمله پیامدهایی است که عمدتاً در فضای رسانه‌ای کشور درباره موضوع ازدواج در سنین پایین گفته شده و با استناد به این آثار و پیامدهای نامناسب، ضرورت تغییر حکم و مداخله قانونی برای توقف این پدیده طرح می‌شود. برای مثال متن‌های زیر که در سال‌های اخیر در فصلنامه‌های علمی منتشر شده است ابعاد مختلف مطالبه فعالان این حوزه را نشان می‌دهد:

- «گسترش طلاق و کودک بیوگی، افسردگی، خودکشی، فرار، روسپیگری، اعتیاد، محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی، زنانه شدن فقر و گسترش انحرافات اجتماعی از نتایج ازدواج زودهنگام می‌باشد. از مهمترین علل ازدواج زودهنگام در ایران حمایت قانونی و حقوقی از پدیده کودک همسری می‌باشد. هنجارهای فرهنگی و سنتی زمانی که از حمایت قانونی و قضایی برخوردار باشند، تشدید شده و مقابله با آن بسیار مشکل خواهد بود. بنابراین ضرورت دارد که در قوانین مدنی و قضایی در باب ازدواج زیر ۱۸ سال بازنگری شود و راهکارهای مناسب حقوقی و فرهنگی برای مقابله با آن ارائه گردد» (احمدی، کامیل، ۱۳۹۶).

- «نتایج نشان داد که ازدواج زودهنگام می‌تواند عاملی مثبت در بروز خشونت خانگی و ترک تحصیل دختران باشد. ازدواج کودک از منظر روابط زناشویی می‌تواند یکی از مصادیق آزار جنسی کودکان نیز باشد. اکثریت زنان کودک همسر، کودک مادر هم هستند. ازدواج زودهنگام اغلب باعث استثمار کار زن از جمله کار خانگی، روستایی یا اشتغال خارج از منزل می‌شود» (افتخارزاده، زهرا، ۱۳۹۴).

- «ازدواج زودهنگام آسیب‌پذیر است و دخترانی که قبل از بلوغ فکری و اجتماعی ازدواج می‌کنند، به احتمال زیاد پس از چند سال انتظارات جدیدی در آنها سر بر می‌آورد که گاه به گسست مناسبات خانوادگی و ایجاد فساد اخلاقی می‌انجامد» (علیایی زند، ۱۳۸۱).

در این بخش برای شناخت تغییر ایجاد شده در موضوع یا مصلحت‌های زمانی و مکانی ایجاد شده در این باره، براساس شواهد تجربی و اطلاعات موجود به پرسش‌های زیر پاسخ داده شده است که آیا:

۱. ازدواج در سنین پایین نسبت به سایر گروه‌های سنی با طلاق بیشتری همراه است؟
۲. ازدواج در سنین پایین موجب باز ماندن از تحصیل و ترک تحصیل افراد واجب‌التعلیم می‌شود؟
۳. ازدواج در سنین پایین موجب بارداری زودهنگام و مرگ‌ومیر بیشتر مادران می‌گردد؟
۴. ازدواج در سنین پایین موجب نارضایتی جنسی (ورود به رابطه جنسی اجباری) می‌شود؟
۵. ازدواج در سنین پایین موجب مورد خشونت خانوادگی واقع شدن فرد می‌شود؟

۶. ازدواج در سنین پایین موجب تضییع حقوق کودک می‌شود؟
۷. ازدواج در سنین پایین موجب تشکیل خانواده‌هایی ناتوان در اداره امور زندگی می‌شود؟
۸. ازدواج در سنین پایین زمینه‌ساز مداخلات آسیب‌زننده خانواده‌های زوجین در زندگی مشترک افراد است؟

در ادامه با استفاده از روش تحلیل ثانویه به این پرسش‌ها پاسخ داده شده و تلاش شده تا ابعاد مختلف موضوع با تمرکز بر پیامدهای آن مورد بررسی قرار گیرد. با این حال وضعیت هریک از پیامدها از حیث شواهد تجربی و داده‌های آماری متفاوت است. برخی از پیامدها را می‌توان با استناد به آمارهای مختلف در منابع متعدد مورد بررسی قرار داد و برخی دیگر صرفاً گمانه‌زنی‌های ذهنی و نظری است و داده‌ها و شواهد تجربی درباره آنها وجود ندارد. از همین رو ابتدا موارد دارای شواهد تجربی و سپس مواردی که براساس مفروضات نظری بیان شده مورد بررسی قرار گرفته است.

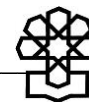
### ۱. مطلقه شدن دختران در سن پایین و خطرات آن

همان‌طور که گفته شد یکی از موارد مطرح شده درخصوص موضوع ازدواج در سنین پایین، مطلقه شدن دختران مذکور و مخاطرات ناشی از آن است. زیرا فرد به دلیل نداشتن سن کافی و تجربه لازم، توانایی مواجهه با مشکلات ناشی از جدایی و دفاع از حقوق خود را ندارد. از این رو فرد در معرض آسیب‌های جدی روحی قرار می‌گیرد (مظفریان، ۱۳۹۵).

در این دیدگاه با استناد به اینکه از کل طلاق‌های ثبت شده بیشترین رقم مربوط به گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال برای زوجه و گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ سال برای زوج است و همچنین آمار کمتر از چهار سال مدت زندگی مشترک زوجین، برای حدوداً ۴۸ درصد از تعداد کل طلاق‌های ثبت شده در ۹ ماهه سال ۱۳۸۶ نتیجه گرفته شده است که «بیشترین آمار طلاق مربوط به افرادی است که در سنین پایین ازدواج کرده‌اند» (افتخارزاده، ۱۳۹۴). اگرچه چنین استنتاجی غیرعادی بوده و از حیث علمی خدشه‌دار است، اما در برخی از تحقیقات اجتماعی دیگر، گزاره - طلاق بیشتر در ازدواج‌های سنین پایین - مورد اشاره بوده است (میراحمدی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۲؛ ولدخانی و همکاران، ۱۳۹۵).

در این دیدگاه رابطه میان سن پایین ازدواج و طلاق بیشتر به‌عنوان یک اصل موضوعه پذیرفته شده و حتی در برخی موارد به رابطه میان طبقات پایین و طلاق بیشتر نیز اشاره می‌شود «بررسی‌های مشابه نیز نشان می‌دهد که سن ازدواج عامل مهمی در تداوم ازدواج می‌باشد (بوث و ادواردز، ۱۹۸۵) به بیان دیگر، هرچه سن ازدواج پایین‌تر باشد احتمال ازهم‌گسیختگی خانواده بیشتر می‌شود؛ زیرا در سنین پایین افراد از قابلیت‌های لازم برای ایفای نقش همسری بی‌بهره‌اند. در عین حال، ازدواج در سنین بسیار بالا نیز خطر طلاق را افزایش می‌دهد (همان). از سوی دیگر،





سطح تأیید بررسی‌های مشابه می‌باشد (گود، ۱۹۸۹). به‌گونه‌ای که در طبقات اجتماعی پایین‌تر و افراد دارای تحصیلات کمتر میزان طلاق بیشتر است» (میراحمدی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۲).

آنچه در اینجا مطرح می‌شود دو بحث مجزا از یکدیگر است. بحث اول این است که به‌دلیل ازدواج در سن پایین و فقدان مهارت‌های ازدواج در کنار عدم رضایت از روابط جنسی و همچنین مداخلات برهم‌زننده خویشاوندان، طلاق در این گروه سنی بالا بوده و با ازدواج دختران در این بازه سنی احتمال طلاق آنها افزایش می‌یابد. بحث دوم این است که فارغ از بحث بیشتر یا کمتر بودن طلاق در این گروه سنی به‌دلیل سن پایین، فقدان توانایی لازم و آسیب‌پذیری بیشتر وجود یک مورد طلاق نیز مسئله بوده و باید زمینه‌های ایجادکننده آن یعنی امکان ازدواج در این بازه سنی را ممنوع کرد.

در این بخش ابتدا موضوع اول یعنی بالاتر بودن طلاق‌ها در این گروه سنی و سپس موضوع دوم یعنی آسیب‌پذیری بیشتر مورد بررسی قرار می‌گیرد. جدول زیر وضعیت کل طلاق‌ها در کشور و تعداد طلاق‌ها در گروه‌های سنی مختلف را نشان می‌دهد:

جدول ۴. مقایسه طلاق در گروه سنی‌های کمتر از ۱۰ تا ۳۴ سال در پنج سال اخیر (زوجه)

| سال  | کل طلاق‌ها | کمتر از ۱۰ | نسبت به کل طلاق‌ها | نسبت به ۱۰ تا ۱۴ | نسبت به کل طلاق‌ها | ۱۵ تا ۱۹ درصد | ۲۰ تا ۲۴ درصد | ۲۵ تا ۲۹ درصد | ۳۰ تا ۳۴ درصد |
|------|------------|------------|--------------------|------------------|--------------------|---------------|---------------|---------------|---------------|
| ۱۳۹۵ | ۱۸۱,۰۴۵    | ۰          | ۰                  | ۱,۱۲۸            | ۰/۶۲               | ۱۸,۳۲۸        | ۳۳,۸۵۳        | ۱۸/۶۹         | ۳۵,۹۳۰        |
| ۱۳۹۴ | ۱۶۳,۷۶۵    | ۰          | ۰                  | ۱,۲۴۹            | ۰/۷۶               | ۱۸,۱۹۵        | ۳۲,۴۷۷        | ۱۹/۸۳         | ۳۱,۲۲۵        |
| ۱۳۹۳ | ۱۶۳,۵۶۹    | ۲          | ۰                  | ۱,۲۶۷            | ۰/۷۷               | ۱۸,۵۱۰        | ۳۴,۲۰۵        | ۲۰/۹۱         | ۳۰,۵۸۹        |
| ۱۳۹۲ | ۱۵۵,۳۶۹    | ۱          | ۰/۰۰۱              | ۱,۲۰۳            | ۰/۷۷               | ۱۸,۵۰۰        | ۳۴,۲۴۴        | ۲۲/۰۲         | ۲۷,۷۱۰        |
| ۱۳۹۱ | ۱۵۰,۳۲۴    | ۱          | ۰/۰۰۰۶             | ۱,۰۷۷            | ۰/۷۱               | ۱۷,۷۲۰        | ۳۳,۶۱۹        | ۲۲/۳۶         | ۲۵,۹۶۴        |

مأخذ: سالنامه‌های آماری سازمان ثبت احوال.

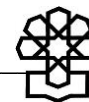
همان‌طور که ملاحظه می‌شود در جدول ۴ به مقایسه نرخ طلاق در ۶ گروه سنی پرداخته شده است که گروه‌های سنی کمتر از ۱۰ سال تا گروه‌های سنی ۳۰ تا ۳۴ سال را در پنج سال گذشته دربرمی‌گیرد. هرچند در سال‌های اخیر نرخ طلاق روند صعودی داشته، اما نسبت طلاق در گروه سنی ۱۴ سال و کمتر به کل طلاق‌ها در پنج سال اخیر از ۰/۶ تا ۰/۷ در نوسان بوده است. درحالی‌که نسبت طلاق در گروه جمعیتی ۱۵ تا ۱۹ سال به کل طلاق‌ها ۱۱ درصد و در گروه جمعیتی ۲۰ تا ۲۴ سال بین ۲۳ تا ۱۹ درصد و در گروه جمعیتی ۲۵ تا ۲۹ سال از ۲۴ تا ۲۲ درصد و در گروه جمعیتی ۳۰ تا ۳۴ سال از ۱۷ تا ۱۹ درصد در نوسان بوده است. از آنجاکه عدد «نسبت» تحت تأثیر «تعداد کل» قرار می‌گیرد و با افزایش تعداد کل، نسبت نیز زیاد می‌شود، علیرغم پایین بودن نسبت طلاق در این گروه سنی براساس این جدول نمی‌توان نتیجه خاصی را استنباط کرد. برای این منظور باید نسبت طلاق به ازدواج در هر گروه سنی نیز بررسی شود. جدول زیر نسبت ازدواج به طلاق در گروه‌های سنی مختلف را نشان می‌دهد:

## جدول ۵. نسبت طلاق به ازدواج بر حسب سن زوجه

| سال  | گروه سنی کمتر از ۱۰ سال | گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ سال | گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ سال | گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال | گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ سال | گروه سنی ۳۰ تا ۳۴ سال |
|------|-------------------------|-----------------------|-----------------------|-----------------------|-----------------------|-----------------------|
| ۱۳۹۱ | ۰/۵۳                    | ۲/۶۶                  | ۶/۶۸                  | ۱۲/۲۳                 | ۲۴/۰۵                 | ۴۷/۵۱                 |
| ۱۳۹۲ | ۰/۹۹                    | ۲/۹۱                  | ۷/۸۷                  | ۱۳/۵۵                 | ۲۵/۱۴                 | ۴۹/۱۷                 |
| ۱۳۹۳ | ۰                       | ۳/۱۴                  | ۸/۶۴                  | ۱۵/۱۴                 | ۲۶/۷۹                 | ۵۱/۶۶                 |
| ۱۳۹۴ | ۰                       | ۳/۳۸                  | ۹/۲۵                  | ۱۵/۹۰                 | ۲۷/۱۲                 | ۵۰/۰۴                 |
| ۱۳۹۵ | ۰                       | ۲/۸۸                  | ۹/۲۵                  | ۱۶/۸۷                 | ۲۸/۲۱                 | ۵۱/۴۱                 |

مأخذ: سالنامه آماری سازمان ثبت احوال.

در جدول ۵ به بررسی نسبت طلاق به ازدواج در گروه‌های سنی مختلف پرداخته شده است. در پنج سال اخیر نسبت طلاق به ازدواج در گروه سنی ۱۴ سال و کمتر از ۲/۷ تا ۳/۴ درصد در نوسان بوده است. در گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ سال این رقم در بیشترین نرخ خود به ۹/۲ رسیده که با ۵/۹ درصد افزایش مواجه بوده است. در گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال این رقم ۱۶/۸ درصد می‌باشد که بیان‌کننده افزایش چشمگیری در نسبت طلاق به ازدواج است. در گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ سال این تفاوت برابر با ۲۸/۲ درصد است که نشان‌دهنده ادامه این روند افزایشی است و در گروه سنی ۳۰ تا ۳۴ سال این عدد به ۵۱/۶ درصد می‌رسد. به بیان دیگر، هرچه بر سن گروه‌های جمعیتی افزوده می‌شود نسبت طلاق به ازدواج افزایش می‌یابد. بنابراین تفاوت نسبت ازدواج به طلاق در گروه سنی ۱۴ سال و کمتر در مقایسه با گروه سنی ۳۰ تا ۳۴ سال تقریباً به ۵۰ درصد می‌رسد. در نتیجه براساس این شاخص، نسبت طلاق به ازدواج در گروه سنی دختران ۱۴ سال و کمتر نسبت به گروه‌های جمعیتی‌های دیگر در پایین‌ترین میزان قرار دارد. از حیث روند افزایشی نسبت طلاق به ازدواج نیز، اگرچه این گروه سنی شاهد افزایش یک درصدی طلاق نسبت به ازدواج در پنج سال گذشته است، اما نرخ این افزایش در گروه‌های دیگر حداقل ۵ درصد است. بنابراین از حیث نرخ افزایش طلاق نیز گروه سنی دختران ۱۴ سال و کمتر، پایین‌ترین نرخ طلاق را دارا می‌باشد. با این حال ممکن است با توجه به سن پایین و فقدان قدرت انتخاب و عاملیت در این گروه سنی، طلاق این گروه جمعیتی به گروه سنی بالاتر منتقل شود. برای ارزیابی میزان درستی این ادعا باید الگوی طلاق در کشور بررسی شود. در واقع باید مشخص شود که آیا فقدان عنصر «عاملیت» در پایین بودن نرخ طلاق در این گروه سنی مؤثر است یا خیر؟ جدول زیر الگوی طلاق را در کشور نشان می‌دهد:



## جدول ۶. تعداد طلاق ثبت شده برحسب طول ازدواج پنج سال اخیر

| سال  | کل طلاقها | کمتر از یک سال | درصد  | یک سال | درصد | دو سال | درصد | سه سال | درصد | چهار سال | درصد |
|------|-----------|----------------|-------|--------|------|--------|------|--------|------|----------|------|
| ۱۳۹۵ | ۱۸۱,۰۴۹   | ۱۹,۹۷۹         | ۱۱    | ۱۹,۴۱۸ | ۱۰/۷ | ۱۶,۲۴۰ | ۸/۹  | ۱۴,۰۰۶ | ۷/۷  | ۱۱,۶۰۳   | ۶/۴  |
| ۱۳۹۴ | ۱۶۳,۷۶۵   | ۲۱,۴۵۱         | ۱۳,۰۹ | ۱۸,۴۸۲ | ۱۱/۲ | ۱۴,۶۵۰ | ۸/۹  | ۱۲,۳۹۰ | ۷/۶  | ۱۰,۴۴۸   | ۶/۴  |
| ۱۳۹۳ | ۱۶۳,۵۶۹   | ۲۲,۸۶۰         | ۱۴    | ۱۸,۷۴۷ | ۱۱/۵ | ۱۵,۱۲۹ | ۹/۲  | ۱۲,۱۸۴ | ۷/۴  | ۱۰,۳۳۲   | ۶/۳  |
| ۱۳۹۲ | ۱۵۵,۳۶۹   | ۲۲,۰۳۵         | ۱۴/۲  | ۱۸,۶۵۹ | ۱۲   | ۱۴,۳۱۱ | ۹/۲  | ۱۱,۵۶۲ | ۷/۴  | ۱۰,۰۴۴   | ۶/۵  |
| ۱۳۹۱ | ۱۵۰,۳۲۴   | ۲۱,۱۲۷         | ۱۴/۱  | ۱۷,۷۱۹ | ۱۱/۸ | ۱۳,۸۳۰ | ۹/۲  | ۱۱,۸۳۴ | ۷/۹  | ۱۰,۰۹۴   | ۶/۷  |

مأخذ: سالنامه‌های آماری سازمان ثبت احوال.

بنابر آمار منتشر شده ازسوی سازمان ثبت احوال کشور در پنج سال اخیر، بیشترین میزان طلاق برحسب طول زمان ازدواج، در سال اول زندگی زوجین ثبت شده است. براساس جدول فوق ۲۴ درصد طلاقها در کمتر از یک سال و سال نخست زندگی روی می‌دهد و ۴۳ درصد طلاقها نیز در پنج سال اول اتفاق می‌افتد، براساس چنین الگویی می‌توان با اطمینان بیشتری نسبت به پایین بودن طلاق در گروه سنی ۱۴ سال و کمتر، سخن گفت. براساس جدول زیر و با توجه به الگوی طلاق در کشور، بیشترین میزان طلاق در سال اول زندگی مربوط به گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ سال است.

## جدول ۷. بیشترین طلاق ثبت شده در طول زندگی زوجین

| سال  | طلاق ثبت شده نسبت به طول زندگی | بیشترین طلاق در گروه سنی (زوجه) |
|------|--------------------------------|---------------------------------|
| ۱۳۹۵ | کمتر از یک سال اول زندگی       | ۲۹ تا ۲۵ سال                    |
| ۱۳۹۴ | کمتر از یک سال اول زندگی       | ۲۹ تا ۲۵ سال                    |
| ۱۳۹۳ | کمتر از یک سال اول زندگی       | ۲۹ تا ۲۵ سال                    |
| ۱۳۹۲ | کمتر از یک سال اول زندگی       | ۲۹ تا ۲۵ سال                    |
| ۱۳۹۱ | کمتر از یک سال اول زندگی       | ۲۹ تا ۲۵ سال                    |

مأخذ: همان.

با توجه به نسبت ۰/۷ درصدی طلاق در گروه سنی دختران ۱۴ سال و کمتر، به کل طلاقها و همچنین با توجه به نسبت ۳/۲ درصدی طلاقها نسبت به ازدواجها در این گروه سنی و همچنین الگوی طلاق در کشور که بیشترین طلاقها در سال اول زندگی و در گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ سال انجام می‌شود، درخصوص این ادعا که طلاق در این گروه سنی نسبت به گروه‌های دیگر بیشتر است، تردید جدی وجود دارد. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد که براساس شواهد فوق ازدواج‌های این گروه سنی دارای پایداری بیشتری نسبت به گروه‌های سنی دیگر هستند. یافته‌های تحقیق ترابی و مسگرزاده (۱۳۹۵) نیز این نتایج را تأیید می‌کنند. «نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد، این است که افزایش میانگین سن در نخستین ازدواج در ایران، به‌ویژه در پنج دهه اخیر، همراه با افزایش میزان طلاق

بوده است.»

هرچند بحث اول در این موضوع فاقد شواهد و داده‌های تجربی است، اما درخصوص بحث دوم نکته قابل تأملی که نباید از نظر دور داشت وجود ۱۰۰۰ مورد طلاق در این گروه سنی است که حکایت از ثبت واقعه طلاق در گروه سنی ۱۴ سال و کمتر دارد. اگرچه فراوانی طلاق در این گروه سنی نسبت به سایر گروه‌ها بسیار پایین بوده و این گروه سنی بخش بسیار کمی از طلاق‌ها را به خود اختصاص داده است، اما به دلیل سن کم، مهارت‌های پایین و آسیب‌پذیری بالا مسئله طلاق در این گروه سنی بسیار اهمیت دارد و بی‌توجهی به این موضوع می‌تواند تبعات جبران‌ناپذیری برای فرد و جامعه در پی داشته باشد.

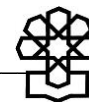
بنابراین مشخص می‌شود که بخشی از موارد ازدواج در سنین پایین منجر به طلاق شده و به دلیل پیامدها و آثار منفی آن، این موضوع باید در کنار فاصله سنی غیرطبیعی زوج و زوجه مورد توجه قرار گرفته و تناسب میان زوج و زوجه در ازدواج‌های این گروه سنی با سخت‌گیری و حساسیت بیشتری اعمال شود. برای رفع این مسئله با توجه به محدودیت‌های استفاده از ابزار قانونی برای حل این مسئله به دلیل ماهیت فرهنگی و اجتماعی آن، در بخش پیشنهاد‌های این گزارش راهکارهایی ارائه شده است. روشن است که در اینجا دلایل و علل تعداد طلاق در این گروه سنی محل بحث نمی‌باشد، بلکه صرفاً بررسی پیامدهای مطرح شده موردنظر بوده است. درخصوص دلایل این موضوع، سه نظریه بدیل وجود دارد که نیازمند بررسی تجربی است:

نظریه اول، علت پایین بودن طلاق‌ها را فقدان عاملیت و قدرت انتخاب در این گروه سنی می‌داند. به این صورت که به دلیل قدرت پایین تصمیم‌گیری دختران، طلاق در سال‌های اولیه زندگی صورت نمی‌گیرد و به دوره‌های بعد انتقال می‌یابد.

در مقابل، نظریه دوم بر عنصر سازگاری بالا و پذیرش بیشتر زوجین نسبت به خصوصیات اخلاقی یکدیگر تأکید کرده و عامل طلاق کم در این گروه سنی را به ویژگی منعطف بودن آنان نسبت می‌دهد. در نظریه سوم علت پایین بودن طلاق‌ها در این گروه سنی این است که اگرچه ازدواج‌های این گروه سنی در بازه سنی ۱۰ تا ۱۴ سالگی ثبت می‌شود (صرفاً عقدشان خوانده شده و نامزد می‌شوند) اما آغاز زندگی مشترک این افراد معمولاً بعد از ۱۵ سالگی بوده و به همین خاطر نیز میزان طلاق در این گروه سنی پایین است.

## ۲. ترک تحصیل بیشتر دختران

پیامد دیگری که به آن اشاره می‌شود ترک تحصیل و محروم ماندن دختران از آموزش به دلیل ازدواج در سنین پایین است. براساس این، ازدواج اصلی‌ترین و بزرگ‌ترین مانع ادامه تحصیل کودکان است و



اولین علت ترک تحصیل در کودکان بالاخص دختران قلمداد می‌شود. برای بررسی این بُعد از مسئله منابع مختلف آماری و تحقیقاتی مورد بررسی قرار گرفته است.

### الف) محرومیت از تحصیل براساس آمار رسمی

به گفته کارشناسان آموزش و پرورش در حال حاضر حدود ۱۴۰ هزار دانش‌آموز بازمانده از تحصیل در مقطع اول تا ششم و در گروه سنی ۷ تا ۱۷ سال وجود دارند که در این بین استان‌های سیستان و بلوچستان، کرمان و آذربایجان غربی بیشترین آمار را به خود اختصاص داده‌اند. با این حال، براساس آمار رسمی آموزش و پرورش هر ساله حدود ۷۰۰ نفر از ۱۴۰ هزار نفر یعنی کمتر از نیم درصد این کودکان به دلیل ازدواج ادامه تحصیل نداده‌اند.<sup>۱</sup> اگر پراکندگی استانی آمار بازماندگان از تحصیل را با پراکندگی استانی آمار ازدواج در سنین پایین (ر.ک: جدول ۲ صفحه ۹) مقایسه کنیم، متوجه می‌شویم که تنها استان سیستان و بلوچستان در این مورد از هر دو حیث رتبه بالایی دارد و دو استان دیگر که از جهت مسئله محرومیت از تحصیل در رتبه بالایی قرار دارند، از حیث ازدواج در سنین پایین، رتبه پایین‌تری را به خود اختصاص داده‌اند. به صورت خاص استان کرمان از حیث نسبت ازدواج سنین پایین به کل ازدواج‌های استان در رده بیستم کشور قرار دارد. بنابراین به‌عنوان نخستین شاخص، این مورد از طریق چنین تطابقی خدشه‌دار می‌شود. همچنین پاسخ رسمی نهاد اصلی متولی این حوزه بر نقش عامل ازدواج در مسئله محرومیت از تحصیل حاکی از تأثیر بسیار کم و در حد ناچیز عامل ازدواج بر بازماندگی از تحصیل کودکان است.<sup>۲</sup> جدول زیر آمار بازماندگان از تحصیل ۶ تا ۱۱ سال در سه سال اخیر را براساس رتبه‌بندی استانی نشان می‌دهد:

جدول ۸. آمار بازماندگان از تحصیل ۶ تا ۱۱ سال در سه سال براساس رتبه‌بندی استانی<sup>۳</sup>

| نام استان         | تعداد بازماندگان از تحصیل ۶ تا ۱۱ ساله سال تحصیلی ۱۳۹۵ | تعداد بازماندگان از تحصیل به دلیل ازدواج در سه سال اخیر | بازماندگان از تحصیل به‌طور تقریبی در هر سال آموزشی | درصد از کل |
|-------------------|--|---|--|------------|
| خراسان رضوی       | ۱۲,۴۶۱   | ۶۲۰   | ۲۰۵  | ۱/۶        |
| سیستان و بلوچستان | ۳۳,۳۲۷   | ۴۰۸   | ۱۳۶  | ۰/۴        |
| آذربایجان شرقی    | ۳,۷۱۰  | ۳۶۲   | ۱۲۰  | ۳/۲        |
| آذربایجان غربی    | ۷,۰۵۱  | ۱۳۴   | ۴۴   | ۰/۶        |
| خوزستان           | ۱۲,۵۶۸   | ۱۸۷   | ۶۲   | ۰/۴        |
| کرمان             | ۷,۲۲۵  | ۱۲۹   | ۴۳   | ۰/۵        |

مأخذ: پاسخنامه معاونت آموزش ابتدایی استان تهران به شماره ۲۰۰/۱۲۱۱۶۰.

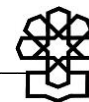
۱. مصاحبه با کارشناس آموزش و پرورش معاونت آموزش ابتدایی استان تهران، شهریورماه ۱۳۹۶.  
 ۲. پاسخنامه معاونت آموزش ابتدایی استان تهران به شماره ۲۰۰/۱۲۱۱۶۰ عطف به نامه شماره ۱۶۳۰۰/۱۶۳۱.  
 ۳. آمار اعلام شده توسط معاونت آموزش ابتدایی استان تهران عطف به نامه شماره ۲۰۰/۱۲۱۱۶۰.

همان‌طور که جدول فوق نشان می‌دهد آمار محرومیت از تحصیل در استان‌ها در بیشترین میزان ۱ درصد و کمترین میزان ۰/۴ درصد است، امری که نشان‌دهنده تأثیر بسیار ناچیز ازدواج بر ترک تحصیل می‌باشد. به عبارت دیگر، ۱/۶ درصد از دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل استان خراسان رضوی و ۰/۴ درصد از دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل استان سیستان و بلوچستان و ۳/۲ درصد از دانش‌آموزان بازمانده از استان آذربایجان شرقی به دلیل ازدواج، از تحصیل محروم مانده‌اند. در مورد استان‌های آذربایجان شرقی و خراسان رضوی نیز به نظر می‌رسد که عواملی مانند حاشیه‌نشینی بالا و مهاجرت تأثیر بسیار زیادی بر این مسئله داشته است. نسبت تعداد کل دانش‌آموزان ترک تحصیل‌کرده هر استان به دانش‌آموزان ترک تحصیل‌کرده به دلیل ازدواج همان استان، گویای این واقعیت است که عوامل اصلی محرومیت از تحصیل را باید در علی‌مانند: عدم دسترسی به فضای آموزشی مناسب، توسعه نیافتگی مناطق، شاغل بودن کودکان، نگرش فرهنگی والدین، مختلط بودن فضای آموزشی و در نهایت ساعات آموزشی نامناسب در روستاها جستجو کرد.

آمار رسمی دیگری که در این زمینه وجود دارد مربوط به «طرح شناسایی کودکان بازمانده از تحصیل» است که در ۲۰ تیرماه ۱۳۹۵ به وسیله معاونت رفاه و امور اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی انجام شده است. در این طرح به شناسایی علل ترک تحصیل کودکان پرداخته شده است و نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که ۸ هزار کودک به دلیل فقر و ۷ هزار کودک به دلیل معلولیت، ۳ هزار و ۵۵۴ کودک به علت مهاجرت از کشور، ۱ هزار و ۸۱۴ کودک به دلیل فوت، ۱ هزار و ۵۵۲ کودک به علت دوری از مدرسه، ۱ هزار و ۴۸۷ کودک به دلیل عدم تمایل، ۲ هزار و ۶۷۶ کودک به دلیل امتناع مدیر مدرسه از ثبت نام از چرخه تحصیل بازمانده‌اند و ۷۶۳ کودک نیز به تماس‌های گرفته شده پاسخی نداده‌اند. در این گزارش اشاره‌ای به ترک تحصیل به دلیل ازدواج نشده است که می‌تواند به دلیل نبود دانش‌آموزانی در نمونه این طرح تحقیقاتی باشد.<sup>۱</sup> با توجه به اینکه تحقیق در سال ۱۳۹۵ انجام شده است و موضوع تأثیر ازدواج بر ترک تحصیل یکی از موارد مطرح بوده است از عدم اشاره گزارش به تأثیر این عامل می‌توان این‌گونه استنباط کرد که نقش این عامل کم‌رنگ است.

نتایج پژوهش دیگری که در سه استان کردستان، هرمزگان، کهگیلویه و بویراحمد توسط آموزش و پرورش و یونیسف با محوریت «علل ممانعت خانواده‌ها از تحصیل کودکان دختر» صورت گرفته است نشان می‌دهد که مهمترین علت ترک تحصیل این است که در دیدگاه والدین این کودکان «دختر مال دیگران است و تحصیل او صرفه اقتصادی ندارد و خانواده‌ها در صورتی با تحصیل دختران خود موافقت می‌کنند که هزینه تحصیل آنان توسط دولت پرداخت شود» (آتشک، ۱۳۸۸). علی‌رغم نتایج این تحقیق که با همکاری یونیسف انجام شده است، ارجاع و استناد به ارزیابی‌های یونیسف در اشاره به تأثیر عامل

۱. پاسخنامه معاونت آموزش ابتدایی استان تهران به شماره ۲۰۰/۱۳۱۱۶۰.



ازدواج در سنین پایین بر محرومیت از تحصیل در کشور در منابع مختلف به چشم می‌خورد. در مقاله‌ای که با عنوان «بررسی تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش» در فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان به‌عنوان یکی دیگر از نهادهای رسمی انتشار یافته است به مهمترین عوامل مؤثر بر دسترسی کمتر دختران به آموزش در ایران پرداخته شده است. براساس این مقاله، نوع مدرسه و نیز تسهیلات و تجهیزات برای دو جنس به تساوی ایجاد نشده است به‌گونه‌ای که تعداد آموزشگاه‌ها در دوره تحصیلی راهنمایی در سال ۱۳۸۵ در مناطق روستایی برای پسران ۶۳۹۴ واحد آموزشی و برای دختران ۶۰۴۷ واحد آموزشی و در شهرها برای پسران ۷۶۰۶ واحد آموزشی و برای دختران ۶۹۳۹ واحد آموزشی بوده است. همچنین ۱۱۲۴۱ کلاس مختلط وجود دارد که مختلط بودن فضای آموزشی یکی از مهمترین موانع ترغیب والدین برای نفرستادن دختران به مدرسه است. مسئله ساعات آموزشی نامناسب از دیگر عواملی است که به‌خصوص در روستاها باعث دسترسی کم دختران به آموزش می‌شود. زیرا شاغل بودن کودکان و نیاز به کار دختران در محیط خانه در روستاها امکان دسترسی کودکان به آموزش را دشوار می‌کند. توسعه‌نیافتگی مناطق نیز از سایر علل دسترسی کم گروه واجب‌التعلیم به آموزش است. در نهایت آخرین علت عنوان شده برای محروم ماندن از تحصیل، ازدواج در سنین پایین دختران است (آتشک، ۱۳۸۸).

در پژوهش‌های دیگری که با عناوین «عوامل محیطی و اجتماعی مؤثر بر ترک تحصیل دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های شهرستان میاندوآب در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۹۰» «بررسی میزان علل ترک تحصیل دانش‌آموزان مدارس راهنمایی گل‌تپه در سال ۱۳۷۹»، «بررسی عوامل مرتبط با ترک تحصیل دانش‌آموزان دختر و پسر دوره راهنمایی فامنین سال ۱۳۸۲» صورت پذیرفته است علل متفاوتی برای ترک تحصیل ذکر شده است. علل مشترک در همه پژوهش‌ها نبود فرصت برابر تحصیلی، نبود امکانات آموزشی و فقر عنوان شده است و تنها در یکی از پژوهش‌های انجام شده ازدواج زودهنگام از علل ترک تحصیل عنوان شده است (اقدسی، ۱۳۹۱ و محسنی، ۱۳۷۹ و عسگری، ۱۳۸۲).

علی‌رغم نتایج این تحقیقات که براساس آمار و شواهد تجربی در هیچ یک از آنها ازدواج در سنین پایین نقش مؤثری در ترک تحصیل نداشته است، در کتاب «طنین سکوت» که در زمینه پدیده کودک همسری انتشار یافته، بر این نکته تأکید مؤکد شده که ازدواج، اولین دلیل ترک تحصیل کودکان واجب‌التعلیم است.

این کتاب که به تازگی روانه بازار شده و به‌عنوان پژوهشی جامع در زمینه ازدواج زودهنگام از آن یاد می‌شود در صفحه ۱۰۴ خود به رابطه ترک تحصیل کودکان خصوصاً دختران با ازدواج می‌پردازد و بر این باور است که تمامی ازدواج‌ها نقطه شروع دوری از تحصیل و مدرسه هستند و «بی‌شک ازدواج زودهنگام کودکان یک نقطه پایان برای تحصیلات دختران است». نکته عجیب آنکه کتاب مذکور برای این ادعا هیچ‌گونه شواهدی ارائه نمی‌کند و صرفاً اشاره به یک مورد قانونی که می‌گوید زوج می‌تواند با

دلایلی مانند به مصلحت نبودن از ادامه تحصیل زوجه ممانعت به عمل آورد، اشاره می‌کند.<sup>۱</sup> در این کتاب در حالی به این قانون ارجاع داده شده است که در ماده (۱) «قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی» تأکید شده هیچ‌کس نمی‌تواند کودک را از تحصیل باز دارد و در ماده (۵) همین قانون نیز تأکید شده است که پدر و مادر یا سرپرستان کودک زیر ۱۸ سال باید موجبات تحصیل او را فراهم آورند، در غیر این صورت مجبور به پرداخت جزای نقدی و جبران مافات خواهند بود. علاوه بر این قانون، می‌توان به ماده (۵۳) آیین‌نامه اجرایی مدارس اشاره کرد که دانش‌آموزان متأهل می‌توانند با رعایت سادگی کامل و خودداری از بروز مسائل ازدواج با دیگر دانش‌آموزان، مانند سایرین در مدارس روزانه به تحصیل بپردازند. بنابراین نه تنها در کتاب مذکور به شواهد مستندی اشاره نشده بلکه استنادات حقوقی ارائه شده نیز ناقص و ناصحیح است.

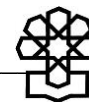
در کتاب «حلقه» نیز که یکی از کتاب‌های مرتبط با این موضوع است مهمترین عامل رشد نیافتگی کودکان به خصوص دختران، ازدواج زودهنگام بر شمرده می‌شود، زیرا ازدواج موجبات ترک تحصیل را فراهم می‌آورد. در صفحه ۱۴۹ کتاب با اشاره به خطرات ناشی از ازدواج کودکان به مقوله محرومیت از تحصیل اشاره شده و آمده است: «مهمترین پیامد این ازدواج‌ها باز ماندن از دوره‌های آموزشی و دست نیافتن به سطح تحصیلات معقول و مطلوب جامعه است». همچنین نویسنده در ادامه توضیحات خود می‌افزاید: «در گزارشی که از یکی از محروم‌ترین استان‌ها - سیستان و بلوچستان - در اواخر سال ۱۳۷۹ در دست داریم ۱/۲ درصد زنان علت ترک تحصیل خود را ازدواج ذکر کرده‌اند. ازدواج زودهنگام باعث ترک تحصیل پسران نیز می‌شود که به دنبال آن ورود زودهنگام و بدون تخصص و مهارت علمی به دنیای اشتغال هم پیش خواهد آمد» (مظفریان، ۱۳۹۵: ۱۵۰). همان‌طور که مشاهده می‌شود در متن کتاب آمده است که ۱/۲ درصد زنان به دلیل ازدواج، ترک تحصیل کرده‌اند. بنابراین در صورت صحت این عدد هر چند بین ترک تحصیل و ازدواج زودهنگام رابطه‌ای برقرار است، اما علت اصلی ترک تحصیل، ازدواج زودهنگام نیست. در واقع، طبق ادعای این کتاب تنها کمتر از دو درصد ترک تحصیل افراد واجب‌التعلیم به دلیل ازدواج زودهنگام است.

در پژوهش دیگری با عنوان بررسی موانع تحصیل دختران روستایی (پژوهش کیفی) که توسط فرضی‌زاده و همکاران در سال ۱۳۹۴ انجام شده است با توجه به کیفی بودن تحقیق این‌گونه جمع‌بندی شده است:

«براساس یافته‌های پژوهش، مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در تصمیم‌گیری برای تحصیل دختران روستایی مؤثر است. این عوامل عبارتند از: عدم باور والدین به ضرورت تحصیل یا ادامه تحصیل دختران، تأکید بر ازدواج زودهنگام دختران، گسترش شایعات مردم به سبب خروج

۱. اگر شوهر تحصیلات زن را در منافات با مصلحت و منافع خانواده یا آبروی زن ببیند می‌تواند مانع آن شود.





دختران از منزل و تبعیض میان فرزند دختر و پسر...» (فرضی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵). همان‌طور که ملاحظه می‌شود در این تحقیق نیز تأکید بر ازدواج زودهنگام و نه خود ازدواج به‌عنوان یکی از عوامل در میان سایر عوامل ذکر شده است و در ادامه این‌گونه نتیجه‌گیری شده است که «باورها نقش بسیار مهم در عدم تحصیل یا ترک تحصیل دختران روستایی دارند» (همان).

از همین طیف مطالعات «پاراحمدی (۱۳۸۳) در پژوهشی به بررسی تأثیر تشکیل خانواده در سنین نوجوانی یا به‌عبارت دیگر ازدواج زودهنگام بر تحصیلات و به‌طور ویژه اقدام به ترک تحصیل در دو سطح فرد و استان پرداخته است. بدین منظور افراد مؤنث ۱۰-۱۹ ساله کشور انتخاب و سپس افراد ازدواج کرده در این گروه سنی با همسالان ازدواج نکرده از نظر ترک تحصیل با هم مقایسه شده‌اند. مطالعه حاضر با ادعان به اینکه بیشتر از ۲۰ درصد دختران از ۷/۷ درصد در شهر تهران تا ۴۰ درصد در مناطق روستایی سیستان و بلوچستان قبل از ۱۸ سالگی ازدواج کرده‌اند، ازدواج زودهنگام را مهمترین عامل در ترک تحصیل زنان ازدواج کرده نوجوان معرفی می‌کند» (پاراحمدی، ۱۳۸۳) نکته مهم در این تحقیق این است که داده مورد استناد در این پژوهش عمدتاً با هدف سنجش وضعیت سلامت ایرانیان جمع‌آوری شده و مسئله ترک تحصیل اساساً در آن مطرح نبوده است. آنچه پاراحمدی انجام داده است بررسی رابطه دو متغیر وضعیت تأهل و وضعیت تحصیل بوده است. او با مشاهده همبستگی میان این دو متغیر نتیجه گرفته است که ازدواج در سنین پایین مهمترین عامل ترک تحصیل است. همان‌طور که تحقیقات دیگر نشان داده‌اند در مسئله ترک تحصیل نوعی تقدم درخصوص سایر عوامل نسبت به ازدواج وجود دارد. یعنی افراد ابتدا به دلیل فقدان زیرساخت‌های آموزشی، فقر و ... ترک تحصیل می‌کنند و سپس در سن پایین ازدواج می‌کنند. با این حال پاراحمدی بدون توجه به این مسئله از یک نسبت همبستگی نتیجه‌گیری کرده است که اعتبار آن مخدوش است.

### ب) محرومیت از تحصیل در جریانات خبری

علی‌رغم تأثیر بسیار اندک عامل ازدواج در محرومیت از تحصیل براساس شواهد تجربی، در بازنمایی رسانه‌ای به نقش پررنگ این عامل تأکید بسیاری شده است. برای مثال خبرگزاری پانا در تاریخ ۱۳۹۶/۴/۲۵ در گزارشی با عنوان ازدواج زودهنگام، عامل ترک تحصیل دختران در خراسان شمالی را ازدواج عنوان کرده است. برای بررسی صحت و سقم این خبر در مردادماه سال ۱۳۹۶ مصاحبه‌ای تلفنی با معاونت آموزش ابتدایی خراسان شمالی انجام شد که طی آن، آمار کودکان ترک تحصیلی سال ۱۳۹۵-۱۳۹۶ به دلیل ازدواج پنج نفر اعلام شد.<sup>۱</sup>

مطابق آمار ارائه شده ازسوی آموزش و پرورش آمار بازماندگان از تحصیل در بهمن‌ماه ۱۳۹۵ در خراسان شمالی در گروه سنی ۶ تا ۱۱ سال ۱۶۴۰ نفر بوده است. درواقع اگر سخنان مسئول مستقیم

۱. این مصاحبه توسط یکی از همکاران تهیه‌کننده این گزارش انجام شده است.

این حوزه که عدد ترک تحصیل به دلیل ازدواج را پنج نفر اعلام کرده است مبنا قرار دهیم<sup>۱</sup> از ۱ هزار و ۶۴۰ نفر ترک تحصیل کرده، تنها پنج نفر به دلیل ازدواج ترک تحصیل کرده‌اند.

در موردی دیگر، پایگاه خبرگزاری مهر در تاریخ ۱۳۹۶/۸/۱۲ به نقل از معاون آموزش متوسطه آموزش و پرورش ازدواج زود هنگام را مانع ادامه تحصیل دختران در برخی استان‌ها بیان کرده و این خبر را تیتیر گزارش خود قرار داده است. در حالی که زرافشان بر نبود مدرسه در زمان مناسب یا وجود دانش‌آموز کافی برای فضای آموزشی احداث شده، تأکید کرده و در کنار عوامل مختلف به ازدواج نیز اشاره کرده بود، اما در خبرگزاری مورد نظر مسئله ازدواج بزرگ‌نمایی شده است.

سایت خبری فرهنگیان نیوز هم در تاریخ ۱۳۹۶/۳/۷ فقر و ازدواج زود هنگام را به‌عنوان عوامل ترک تحصیل تیتیر گزارش خود قرار می‌دهد.<sup>۲</sup> در مورد سلامت نیوز نیز همین توضیحات مصداق دارد. در این اخبار به یافته‌ها و آمار رسمی مبنی بر تعداد دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل به دلیل ازدواج زود هنگام اشاره نشده و فقط به این موضوع به‌عنوان یکی از علل بازماندگی از تحصیل در برخی مناطق اشاره شده که پس از دلایلی مانند فقر، دوزبانگی، معلولیت و کوچ قرار می‌گیرد. به بیانی دیگر با اینکه ازدواج زود هنگام عامل مؤثر در ترک تحصیل نیست، اما توسط این خبرگزاری به‌عنوان تیتیر مطلب استفاده شده است.

شبکه اطلاع‌رسانی راه دانا نیز با تیتیر «آمار ترک تحصیل همچنان درشت و متأثرکننده»<sup>۳</sup> به ارتباط ازدواج و ترک تحصیل اشاره کرده است. همچنین سایت خبری خبر فارسی در تاریخ ۱۳۹۵/۸/۱۵ به نقل از شهین مولوردی ازدواج اجباری و فقر را عوامل بازماندن دختران از تحصیل می‌داند.

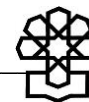
«ازدواج زود هنگام، علت ترک تحصیل دختران در سردشت» عنوان خبر دیگری است که در تاریخ ۱۳۹۵/۹/۲۱ در سایت خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران منتشر شده است. این خبر یکی از پرتناقض‌ترین اخبار مربوط به بازماندگان از تحصیل است. در این گزارش آمار بازماندگان از تحصیل ۶۹ نفر اعلام شده که ۱۸ تن از آنان دختر هستند، اما به‌علت ترک تحصیل آنان هیچ اشاره‌ای نشده است، با این حال تیتیر این گزارش به «ازدواج زود هنگام علت ترک تحصیل دختران دانش‌آموز در سردشت» اختصاص یافته است.

در گزارشی دیگر در تاریخ ۲۱ تیرماه ۱۳۹۵ در سایت خبری ایسکانیوز موضوع ازدواج دختران ۷ تا ۱۱ ساله در روستای پسرک سفلی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این گزارش به آمار کودکانی که در این روستا از تحصیل باز می‌مانند اشاره می‌شود (ایسکانیوز، ۱۳۹۵/۶/۲۱) در این بین محرومیت از

۱. با توجه به اینکه این عدد در گفتگوی تلفنی اعلام شده است باید درخصوص استناد به آن احتیاط کرد.

۲. این خبر با همین عنوان توسط سایت خبری خبر فارسی در تاریخ ۱۳۹۶/۳/۷ تیتیر شده است.

۳. شناسه خبر ۶۱۵۶۶۳، مورخ ۱۳۹۵/۳/۲۷.



تحصیل کودکان در روستای پسرک سفلی به دلیل ازدواج زودهنگام از اخباری بود که تکذیب و توضیحاتی را در پی داشت. برای روشن شدن میزان درستی این خبر در تیرماه سال جاری (۱۳۹۶) با دهیار منطقه<sup>۱</sup> مصاحبه‌ای تلفنی صورت پذیرفت، که به گفته وی عواملی نظیر وضعیت نامناسب تحصیلی در روستا، نبود بستر مناسب آموزشی برای کودکان، نبود برنامه‌ای مشخص برای کودکان و محروم بودن آنها از فضای آموزشی مناسب مهمترین مؤلفه‌های بازماندن کودکان روستا از ادامه تحصیل عنوان شده است.

به اخبار عنوان شده باید اظهارنظر کارن خانلری عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس در تاریخ ۱۳۹۴/۴/۳ را نیز اضافه کرد که از وجود تعداد زیادی از دختران خبر می‌دهد که پس از ازدواج نمی‌توانند ادامه تحصیل دهند. در اظهارنظر آقای خانلری ازدواج در سنین پایین علت محرومیت از تحصیل دختران شمرده شده و تأکید شده که این مشکل در شهرهای بزرگ وجود ندارد. وی در مصاحبه خود هیچ نوع شواهد تجربی ارائه نکرده و صرفاً به بیان اظهارنظر کفایت می‌کند، درحالی که با توجه به آمار و پراکندگی تعداد ازدواج‌های ثبت شده در سال ۱۳۹۴ در گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ استان‌هایی مانند تهران و همدان بعد از سیستان و بلوچستان و خوزستان در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. وجود این تناقضات در اظهارنظرها نشانه دیگری از بازنمایی یک‌طرفه عامل ازدواج به عنوان عامل مؤثر بر ترک تحصیل است.

سایت خبرگزاری ایلنا در تاریخ ۱۳۹۶/۶/۱۹ به نقل از معاونت آموزش ابتدایی آموزش و پرورش جمله «۵۰ درصد دختران در استان‌های مرزی از تحصیل در مقطع متوسطه بازمی‌مانند، ازدواج از عوامل اصلی ترک تحصیل» را تیتیر خبری خود قرار داد.<sup>۲</sup> درحالی که چندی پیش روزبه کردونی مدیرکل آسیب‌های اجتماعی وزارت رفاه فقر، دوزبانه بودن و کوچ‌نشینی را از دلایل ترک تحصیل در استان‌های مرزی کشور برشمرده بود (ایلنا، ۱۳۹۶/۶/۱۹).

با بررسی و تأمل در مباحث و علل عنوان شده این نتیجه حاصل می‌شود که بازنمایی و برجسته‌سازی تأثیر ازدواج بر ترک تحصیل درحالی منتشر می‌شود که فاقد شواهد یا پژوهشی تجربی است. همچنین در برخی اظهارنظرهای مسئولان نیز بزرگ‌نمایی تأثیر عامل ازدواج بر ترک تحصیل کودکان بارز و برجسته است و به نظر می‌رسد نوعی بازنمایی اغراق‌گونه از تأثیر عامل ازدواج در سنین پایین بر محروم ماندن کودکان از تحصیل در رسانه‌ها رخ داده است که چه تعمدی و چه ناآگاهانه باشد فاقد هرگونه پشتوانه تجربی و آماری است.

با توجه به آمار و داده‌های موجود، ازدواج کودکان علت اصلی بازماندن از تحصیل افراد جامانده از آموزش نیست و علل مختلفی زمینه‌ساز ترک تحصیل و محروم ماندن افراد از آموزش است. با این حال

۱. این مصاحبه توسط یکی از همکاران تهیه‌کننده این گزارش انجام شده است.

۲. این خبر همزمان به‌وسلیه سایت‌های خبری دیگر در همان روز منتشر و در روزنامه همدلی نیز چاپ شد.

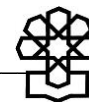
جریان رسانه‌ای کشور - دانسته یا نادانسته - در حال بزرگ‌نمایی گزاره «ازدواج سنین پایین مهم‌ترین عامل در ترک تحصیل دختران» می‌باشد. در حالی که براساس شواهد مختلف و آمارهای ارائه شده «عدم دسترسی به فضای آموزشی مناسب و علل اقتصادی مهم‌ترین عوامل محرومیت از تحصیل هستند» (آتشک، ۱۳۸۸؛ حیدرزادگان، ۱۳۹۶ و شیرکرمی و دیگران، ۱۳۹۱).

با این حال، اگرچه درباره تأثیر عامل ازدواج بر محرومیت از تحصیل بزرگ‌نمایی و تا حد زیادی اغراق صورت می‌گیرد اما وجود مواردی از ترک تحصیل ناشی از ازدواج نشان می‌دهد که در کنار دو مسئله ذکر شده سابق یعنی وجود برخی موارد فاصله سنی غیرطبیعی زوج و زوجه و نیز برخی موارد طلاق، درخصوص این مورد هم به‌عنوان سومین مسئله مرتبط با موضوع ازدواج در سنین پایین در نظام قانونگذاری و احکام مرتبط با موضوع باید توجه کافی صورت گیرد که در بخش پیشنهادها راهکارهایی ارائه شده است.

### ۳. بارداری زودهنگام و خطرات آن برای سلامتی مادر و کودک

از دیگر پیامدهای مطرح شده درباره موضوع، خطراتی است که مادران در گروه سنی کمتر از ۱۸ سال با آن مواجه می‌شوند. براساس این، باروری در سن کمتر از ۱۸ سال به‌دلیل در حال رشد بودن اندام‌ها جزء یکی از سنین پرخطر بارداری محسوب می‌شود. طبق آمار سازمان بهداشت جهانی خطر مرگ در دختران زیر ۱۵ سال هنگام زایمان پنج برابر و بعد از ۱۵ تا ۱۹ سال دو برابر زنانه است که بعد از ۲۰ سالگی زایمان می‌کنند.<sup>۱</sup> از دیگر خطرات زایمان در سنین پایین، خطر تولد نوزادان مبتلا به محدودیت رشد است. (فدایی، ۱۳۹۰). همچنین، احتمال مرگ‌ومیر نوزادان در این گروه سنی بیشتر است. زیرا به‌دلیل در حال رشد بودن مادر، بارداری در این سنین فرد را با مخاطرات جدی روبرو می‌کند و ممکن است خطراتی نظیر کم‌خونی، مرگ جنین، رشد ناکافی جنین داخل رحم، پیشرفت نکردن زایمان به‌دلیل تکامل ناکافی لگن، پارگی نسوج کانال زایمانی، عفونت، رسیدگی ناکافی به‌خود و فرزند را به همراه داشته باشد (سلیمانی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۳).

به‌طور کلی یکی از شاخص‌های مرتبط با سلامت باروری، سن مادر است. سنین پرخطر باروری عبارتند از: گروه سنی کمتر از ۱۸ سال و گروه سنی بالای ۳۵ سال. این دو گروه جمعیتی در صورت باروری، دوران بارداری پرخطری را تجربه می‌کنند. همان‌طور که پیش‌تر عنوان شد باروری پرخطر عوارضی را به همراه دارد که جبران‌ناپذیرترین خطر احتمالی آن مرگ مادر است. با این حال در ایران به‌دلیل مراقبت‌های صورت گرفته، برنامه‌ریزی و سیاست‌های اعمال شده مرگ‌ومیر مادران در سنین پرخطر بارداری به پایین‌ترین رتبه و نزدیک به صفر رسیده است. به‌عبارتی علاوه بر کنترل میزان



مرگ‌ومیر و کاهش چشمگیر آن در کشور زایمان در این گروه سنی نیز نادر است. به گفته رایحه مظفریان بارداری در سنین پایین هرچند خطرات و عوارض جسمی به همراه دارد، اما این آمار در ایران در مقایسه با آمار جهانی ناچیز است (مظفریان، ۱۳۹۵). جدول زیر تعداد مرگ‌ومیرها در گروه سنی زیر ۱۸ و بالای ۳۵ سال در ایران طی سالیان گذشته را نشان می‌دهد.

**جدول ۹. تعداد مرگ‌ومیر مادران در دو گروه سنی پرخطر**

| سال                         | ۱۳۹۳ | ۱۳۹۲ | ۱۳۹۱ | ۱۳۹۰ |
|-----------------------------|------|------|------|------|
| مادران فوت شده زیر ۱۸ سال   | ۱    | ۳    | ۱    | ۳    |
| مادران فوت شده بالای ۳۵ سال | ۲۶   | ۳۴   | ۲۷   | ۲۰   |

مأخذ: گزارش نظام کشوری مراقبت از مرگ مادری ویرایش دوم، ۱۳۹۵.

همان‌طور که جدول ۹ نشان می‌دهد مرگ‌ومیر مادران در گروه سنی زیر ۱۸ سال بسیار پایین است و در سال‌های مختلف از عدد سه تجاوز نکرده است. درحالی که همین آمار در گروه سنی بالای ۳۵ سال بسیار بیشتر است. جدول ۹ نسبت فوت مادران به زایمان را در دو گروه سنی پرخطر نشان می‌دهد که در گروه سنی زیر ۱۸ سال، تقریباً صفر می‌باشد.

**جدول ۱۰. نسبت فوت به زایمان مادران در دو گروه سنی پرخطر**

| سال  | ولادت در گروه سنی مادران زیر ۱۹ سال | مادران فوت شده زیر ۱۸ سال | نسبت فوت مادران به زایش مادران | ولادت در گروه سنی مادران بالای ۳۵ سال | مادران فوت شده بالای ۳۵ سال | نسبت فوت مادران به زایش مادران |
|------|-------------------------------------|---------------------------|--------------------------------|---------------------------------------|-----------------------------|--------------------------------|
| ۱۳۹۳ | ۱۰۴,۲۶۲                             | ۱                         | ۰/۰۱                           | ۱۹۶,۸۰۸                               | ۲۶                          | ۰/۰۱                           |
| ۱۳۹۲ | ۱۰۹,۳۱۲                             | ۳                         | ۰/۰۱                           | ۱۶۹,۸۶۹                               | ۲۴                          | ۰/۰۱                           |
| ۱۳۹۱ | ۱۱۰,۸۲۵                             | ۱                         | ۰/۰۱                           | ۱۵۴,۸۵۰                               | ۲۷                          | ۰/۰۱                           |
| ۱۳۹۰ | ۱۱۰,۵۶۶                             | ۳                         | ۰/۰۱                           | ۱۴۶,۴۱۲                               | ۲۰                          | ۰/۰۱                           |
| ۱۳۸۹ | ۱۱۳,۱۱۸                             | ۲                         | ۰/۰۱                           | ۱۳۹,۹۴۹                               | ۲۲                          | ۰/۰۱                           |

مأخذ: سالنامه آماری سازمان ثبت احوال سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳، گزارش نظام کشوری مراقبت از مرگ مادری ویرایش دوم، ۱۳۹۵.

جداول ۹ و ۱۰ که براساس داده‌های گزارش نظام کشوری مراقبت از مرگ مادری، ویرایش سال ۱۳۹۵ تدوین شده است نشان‌دهنده میزان مرگ‌ومیر مادران در دو گروه جمعیتی پرخطر کمتر از ۱۸ سال و بالای ۳۵ سال، در یک دوره پنج‌ساله است. در این جدول تفاوت بالای اعداد در این دو گروه سنی مشهود است. بنابراین هرچند هر دو گروه سنی در شرایط خطر قرار دارند، اما در سال ۱۳۹۳ در مقابل یک مادر فوت شده در گروه سنی زیر ۱۸ سال، ۲۶ مادر فوت شده در گروه سنی بالای ۳۵ سال ثبت شده است. در سال ۱۳۹۲ نیز در مقابل سه مادر فوت شده در گروه سنی زیر ۱۸ سال ۳۴ مادر

در گروه سنی بالای ۳۵ سال فوت کرده‌اند.<sup>۱</sup> جدول ۱۰ بیانگر این مطلب است که در پنج سال اخیر درصد نسبت فوت مادران به زایش آنها در گروه سنی زیر ۱۸ سال صفر درصد بوده است، در حالی که درصد نسبت فوت مادران به زایش آنها در گروه سنی بالای ۳۵ سال ۰/۰۱ بوده است. به‌طور خلاصه، هرچند با توجه به دلایل پزشکی زایمان در سنین پایین پرخطر است، اما با اقدامات بهداشتی و پیشگیرانه این خطر کنترل شده است تا جایی که براساس آخرین گزارش‌های سازمان بهداشت جهانی ایران با حدود ۸۰ درصد کاهش مرگ‌ومیر مادران جزء کشورهای موفق در دستیابی به هدف توسعه هزاره اعلام شده و دارای آمار بسیار ناچیز و نزدیک به صفر در زمینه مرگ مادران است (گزارش نظام کشوری مراقبت از مرگ مادری ویرایش دوم، ۱۳۹۵).

علاوه بر این در خصوص رفع برخی اختلالات و بیماری‌ها نیز توصیه به ازدواج در سنین باروری به‌عنوان یک راه‌حل مطرح شده است: «تقریباً یک نفر از هر چهار زن ایرانی در سنین باروری حداقل از یکی از اختلالات قاعدگی رنج می‌برند. تغییر سبک زندگی زنان، تشویق آنان به ازدواج در سنین باروری و مشاوره و اطلاع‌رسانی کافی در زمینه اختلالات قاعدگی می‌تواند نقش مهمی در کاهش عوارض ثانوی و سوء این اختلالات داشته باشد» (رستمی و همکاران، ۱۳۹۳).

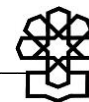
بنابراین هرچند این مورد از حیث نظری و علمی قابل طرح بوده و افزایش خطر مرگ به‌علت باروری در سنین پایین، بخشی از گزاره‌های پذیرفته شده در نظام سلامت و مراقبت است، با این حال از جهت واقعی و عینی، به‌دلیل تحولات رخ داده در این زمینه چنین خطری در سطح ناچیزی وجود دارد و قابل استناد نیست.

به‌نظر می‌رسد براساس همین گزاره پذیرفته شده (مرگ‌ومیر بیشتر مادران در ازدواج‌ها و بارداری‌های سنین پایین) و البته بدون شواهد تجربی در ایران است که مقدادی و جوادپور (۱۳۹۶) در مقاله‌ای در فصلنامه حقوق پزشکی بدون ارجاع حتی به یک مورد تجربی مجموعه‌ای از پیامدها را برای ازدواج در سن پایین فهرست کرده‌اند. «آسیب به سلامت جنسی و حقوق باروری، مرگ‌ومیر مادران و نوزادان، خشونت سوءاستفاده و بهره‌کشی جنسی، آثار سوء روانی و عاطفی و محرومیت از تحصیل!»

#### ۴. نارضایتی جنسی

این موضوع یکی از پیچیده‌ترین موضوعاتی است که تحقیقات اجتماعی محدودی که انتشار عمومی دارند، درباره آنها انجام شده است. با این حال یکی از آسیب‌های عنوان شده ازدواج در سنین پایین دختران، حاصل نشدن رضایت جنسی برای زوجه در رابطه جنسی است. «از منظر جنسی و حقوق

۱. به‌دلیل دسته‌بندی متفاوت نظام آماری گروه سنی زیر ۱۸ سال گروه جمعیتی مادران زیر ۱۹ سال به نسبت مادران بالای ۲۰ سال مورد مقایسه قرار گرفته است، از این رو نسبت‌ها تقریبی می‌باشد.



بشری عمل ازدواج زود هنگام کودکان پیامد بدیهی سرکوب جنسی و اعمال مخرب سنتی است که به نگهداشت نابرابری‌های جنسیتی و سرکوب بیشتر می‌انجامد» (احمدی، ۱۳۹۶). منتقدان، این نارضایتی و اجبار را نوعی تجاوز جنسی و بهره‌کشی جنسی می‌دانند، زیرا معتقدند در این نوع ازدواج‌ها به دلیل سن پایین فرد، هیچ میل و کشش جنسی برای برقراری رابطه در افراد وجود ندارد یا اینکه به رغم داشتن میل جنسی به ارضای آن از طریق ازدواج علاقه و تمایلی در فرد نیست. بررسی این بُعد مسئله به دلیل نبود آمار رسمی یا پژوهش قابل تعمیم بسیار دشوار است. اما با توجه به پژوهش‌های اندک موجود می‌توان به بررسی ادعای طرح شده و روشن کردن برخی زوایای آن پرداخت.

پژوهش‌هایی که در زمینه رضایت جنسی صورت گرفته غالباً به بررسی متغیرهایی مانند رضایت جنسی و سلامت روان، رضایت جنسی و رضایت زندگی زناشویی پرداخته است. از این رو برای بررسی رضایت جنسی در ازدواج‌های سنین پایین با کمبود منابع مواجه هستیم.

یکی از محدود پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر ازدواج زود هنگام و دیر هنگام بر رضایت زناشویی است که به بررسی میزان رضایت زناشویی با توجه به وضعیت ازدواج پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که سن ازدواج به تنهایی نمی‌تواند عامل پیش‌بینی‌کننده رضایت زناشویی باشد. (عاصمی، یزدی، ۱۳۹۳)

در پژوهش دیگری با عنوان رضامندی زناشویی و تعیین عوامل تأثیرگذار بر آن در شیراز علاوه بر اینکه بر تأثیر عامل سن در رضایت‌مندی اشاره نمی‌شود این‌گونه جمع‌بندی شده است که «بررسی‌هایی که مقوله ارتباط جنسی را در کنار سایر عوامل بررسی کرده‌اند (لارسن، ۱۹۸۹؛ هاستون و ونجلیستی، ۱۹۹۱) با یافته‌های بررسی حاضر همسویی دارند و به روشنی بیان کرده‌اند که علایق و احساسات جنسی به تنهایی با رضامندی زناشویی ارتباط ندارد (دائلی، ۱۹۹۳) در بررسی آزاد و نصیب البکاء (۱۳۸۰) که در آن ویژگی‌های فردی و شخصی زوج‌های سازگار و ناسازگار شهر تهران مقایسه شد، ناسازگاری جنسی در ایجاد اختلافات زناشویی از اهمیت چندانی برخوردار نبود» (میراحمدی زاده، ۱۳۸۲).

ولدخانی و همکاران در تحقیقی با عنوان تأثیر سن ازدواج، الگوهای همسرگزینی و تفاوت سنی زوجین بر کیفیت زندگی زناشویی زنان شهر تهران، علی‌رغم نزدیکی میانگین نمرات دو گروه مورد مطالعه خود، یعنی افرادی که در سن پایین و افرادی که سنین بالا ازدواج کرده‌اند در نهایت با تلاش زیاد سعی می‌کنند تا نشان دهند که تفاوت کیفیت زندگی زناشویی این دو گروه معنادار است هرچند در این تحقیق اشاره‌ای به بعد رضایت جنسی نشده است و کیفیت زندگی زناشویی در معنای کلی سلامت زناشویی در نظر گرفته شده است (ولدخانی و همکاران، ۱۳۹۵). آنها در نهایت این‌گونه جمع‌بندی می‌کنند که «این یافته، با نتایج پژوهش غیائی و همکاران (۱۳۸۹) همخوان و همسو بوده و با نتایج پژوهش سفیری و محرمی (۱۳۸۸) ناهمخوان است» (همان).

در زمینه رضایت جنسی افرادی که ازدواج در سنین پایین را تجربه کرده‌اند در حال حاضر پژوهش قابل استناد موجود، کتاب طنین سکوت نوشته کامیل احمدی است. در این پژوهش که جامعه آماری آن افراد ازدواج کرده در سنین پایین بوده است، هفت استان کشور که بالاترین نرخ ازدواج در سنین پایین را دارا می‌باشند برای بررسی انتخاب شده‌اند. در این پژوهش که با هدف بررسی ابعاد مختلف ازدواج زود هنگام صورت گرفته، میزان رضایت از ازدواج نیز در گروه هدف مورد سنجش قرار گرفته است. در این قسمت سه متغیر: رضایت از زندگی زناشویی، رضایت از شیوه ازدواج و رضایت از زندگی جنسی بررسی شده تا میزان رضایت از ازدواج به دست آید. طبق این پژوهش میزان رضایت زندگی جنسی در استان خراسان رضوی ۳۷/۵ درصد، در استان آذربایجان شرقی ۶۶/۷ درصد، در استان خوزستان ۷۰/۷ درصد و در استان سیستان و بلوچستان ۸۹/۹ درصد، در استان آذربایجان غربی ۶۴/۴ درصد و در استان هرمزگان ۵۸/۸ درصد و در استان اصفهان ۷۷/۳ درصد بوده است (احمدی، ۱۳۹۶).

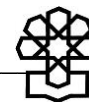
به عبارت دیگر به غیر از استان خراسان رضوی میزان رضایت زندگی جنسی در این ۶ استان از ۶۶ درصد تا ۸۹ درصد در نوسان بوده که این عدد نشانگر میزان بالای رضایت جنسی در ازدواج سنین پایین است.

بر اساس نتایج پژوهش‌هایی که تاکنون مطرح شد، این ادعا که افراد زیر ۱۸ سال تمایلی به برقراری ارتباط جنسی ندارند نه تنها قابلیت اثبات ندارد، بلکه شواهد و تحقیقات موجود خلاف چنین ادعایی را نشان می‌دهد. همچنین با استناد به یافته‌های سایر منابع، رضایت جنسی در افرادی که ازدواج زود هنگام را تجربه کرده‌اند از درصد بالایی برخوردار بوده است. با این حال وجود برخی شواهد در خصوص رضایت جنسی پایین در برخی از استان‌ها، ضرورت توجه به این موضوع را دو چندان کرده و برای بهبود شرایط آموزش‌های مرتبط در این زمینه به عنوان شرط لازم برای هر نوع امکان ازدواجی می‌تواند راهگشا باشد.

## ۵. خشونت خانگی

مورد دیگری که در خصوص این موضوع مطرح می‌شود پیامد در معرض خشونت قرار گرفتن زنان در ازدواج‌های سنین پایین است. مبنای این نظر پژوهش‌های صورت گرفته در سطح بین‌المللی است. نتایج پژوهش‌های بین‌المللی در زمینه خشونت خانگی بیانگر افزایش خطر خشونت خانگی در ازدواج‌های زیر ۱۵ سال است (اردکانی و سجادی، ۱۳۹۲). در حالی که نتایج تحقیقات در زمینه خشونت خانگی در ایران با یافته پژوهش‌های بین‌المللی مطابقت ندارد.





جامع‌ترین پژوهش صورت گرفته در این زمینه پژوهش «بررسی خشونت خانگی علیه زنان»<sup>۱</sup> است. این طرح ملی به‌صورت مشترک توسط دفتر امور اجتماعی وزارت کشور، مرکز امور زنان ریاست‌جمهوری و با همکاری وزارت علوم در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۳ در سطح کلان و ۲۸ استان کشور صورت پذیرفته است. این پژوهش که جامع‌ترین تحقیق درباره خشونت علیه زنان در ایران است به گروه سنی معینی اختصاص ندارد و دربرگیرنده زنان متأهل است. براساس یافته‌های این پژوهش پرخشونت‌ترین دوره‌های زندگی زناشویی عبارت است از:

۱. یک سال اول ازدواج،
۲. دوران تنگناهای مالی،
۳. پس از تولد فرزندان،
۴. دوران میانسالی،
۵. دوران بارداری.

از دیگر یافته‌های این تحقیق بررسی متغیرهای تأثیرگذار بر میزان خشونت است. این متغیرها عبارت است از:

۱. تحصیلات (بی‌سوادی)،
۲. سن (سنین ۵۵ تا ۵۹)،
۳. اشتغال (غیرشاغل)،
۴. مدت زندگی زناشویی (هرچه بیشتر شود، دفعات ضرب و شتم بیشتر می‌شود)،
۵. تعداد فرزند (هرچه بیشتر باشند، خشونت جسمی علیه زنان بیشتر می‌شود)،
۶. میزان مدارا (با افزایش خشونت، میزان مدارا بیشتر می‌شود)،
۷. گرایش به شکایت و طلاق (کمتر می‌شود)،
۸. درآمد (بیشترین میزان خشونت در افراد با درآمد زیر ۷۵ هزار تومان در ماه)<sup>۲</sup>،
۹. نوع منزل مسکونی (خانه‌های ویلایی)،
۱۰. شهری یا روستایی بودن مردان (مردانی که تا ۱۸ سالگی در روستا بزرگ شده‌اند)،
۱۱. زبان مادری.<sup>۳</sup>

یافته‌های به‌دست آمده از این پژوهش بیانگر این موضوع است که سن افراد در هنگام ازدواج از متغیرهای تأثیرگذار بر خشونت خانگی نیست و ازدواج در سنین پایین در دسته‌بندی این متغیرها جایگاهی ندارد.

۱. پایگاه خبری و تحلیلی مهرخانه، کدخبر ۲۶۹۴، ۱۳۹۱/۹/۱۸.

۲. تحقیق مربوط به سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۳ است و میزان در آمد هم متعلق به همان دوره است.

۳. در پژوهش به برخی از اقوام کشور اشاره شده است.

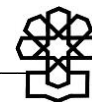
با وجود اینکه تنوع مطالعات مربوط به خشونت زنان در ایران کم نیست، اما از ۶۳ مقاله حاصل از مطالعات مرتبط با این موضوع که در مجلات علمی - پژوهشی به چاپ رسیده‌اند جمعیت نمونه هیچ کدام از تحقیقات زنان متأهل گروه سنی زیر ۱۴ سال را دربر نمی‌گیرد (اردکانی، ۱۳۹۲).

تنها پژوهش موجود که به بررسی خشونت خانگی در ازدواج‌های صورت گرفته در سنین پایین پرداخته، کتاب طنین سکوت است (احمدی، ۱۳۹۶). این پژوهش میزان خشونت خانگی اعمال شده از سوی مردان در ازدواج‌های سنین پایین<sup>۱</sup> را مورد بررسی قرار داده است. انتخاب نمونه از هفت استان کشور بوده و میزان خشونت در این پژوهش با گویه‌های «بدرفتاری با زن»، «تهدید با کتک زدن زن» مورد سنجش قرار گرفته است. یافته‌های حاصل از این پژوهش بیانگر این مطلب است که میزان خشونت اعمال شده از سوی مردان در هفت استان خراسان رضوی، آذربایجان شرقی، خوزستان، سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی، اصفهان و هرمزگان از ۴۰ تا ۵۰ درصد بوده است. برای روشن شدن میزان خشونت در ازدواج‌های سنین پایین باید نتایج حاصله با میزان خشونت در ازدواج‌های دیگر گروه‌های سنی مقایسه شود، اما با توجه به اینکه این آمار با آمار خشونت صورت گرفته در گروه سنی بالاتر مقایسه نشده است نمی‌توان در مورد میزان یا شیوع خشونت در ازدواج‌های سنین پایین نتیجه‌ای به دست آورد یا نمی‌توان اثر متغیر سن را در خشونت خانگی سنجید، با وجود این، این آمار نشان‌دهنده یک بُعد بسیار مهم دیگر در ارتباط با موضوع بحث است.

نکته قابل توجه این است که در دیگر پژوهش‌های انجام شده نیز سن زنان، رابطه معناداری با وقوع خشونت علیه زنان را نشان می‌دهد. براساس نتایج تعدادی از ۶۳ پژوهش انجام شده پیرامون ارتباط متغیر سن با وقوع خشونت خانگی، با افزایش سن زنان بر شیوع خشونت افزوده می‌شود. براساس نتایج کلی مطالعات می‌توان نتیجه گرفت که فراوانی خشونت با افزایش سن بالا می‌رود (اردکانی، ۱۳۹۲). این مطلب بیانگر آن است که خشونت خانگی روندی طولانی‌مدت و تکرارشونده دارد (همان). اگرچه درخصوص افزایش میزان خشونت با افزایش سن می‌توان مسئله افزایش توانمندی افراد و عاملیت آنها را به‌عنوان دلیل این مسئله در نظر گرفت. با این حال این یافته‌ها در تضاد با نتایج مطالعات خارج از ایران هستند که غالباً بالاترین شیوع خشونت را مربوط به زنان با سن کم دانسته‌اند (سازمان جهانی بهداشت، ۲۰۰۲ و ۲۰۰۵).

قانعی‌راد و عزلتی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان بررسی انتقادی تشخیص و سیاستگذاری در مسائل خانواده و ازدواج به نقل از افتخار و همکاران این‌گونه نتیجه گرفته‌اند که «ازدواج در سن پایین که با عدم بلوغ فکری - اجتماعی دختران همراه است بر میزان خشونت خانوادگی می‌افزاید». این نتیجه‌گیری درحالی انجام شده است که براساس نتایج تحقیق افتخار و همکاران (۱۳۸۳) «نزدیک به

۱. گروه سنی در نظر گرفته شده ازسوی پژوهشگر افراد زیر ۱۸ سال هستند.



۸۵ درصد از قربانیان (۱۸۳ پاسخگو) در ۲۴ سالگی یا کمتر ازدواج کرده‌اند ... و ۴۷ درصد قربانیان هنگام ازدواج ۱۹ ساله بوده‌اند». پایین‌ترین سن مورد اشاره در این تحقیق ۱۶ سالگی است. در واقع به نظر می‌رسد قانعی‌راد و عزلتی ازدواج در سن پایین را زیر ۲۴ سال در نظر گرفته‌اند! همان‌طور که افتخار و همکاران نیز در بخش جمع‌بندی به صراحت به این نکته اشاره کرده‌اند: «[با توجه به این که] میانگین سن ازدواج قربانیان ۲۰/۲ سال بوده (۲۰=نما) به نظر می‌رسد [می‌توان] به نقش سن پایین ازدواج ... پرداخت» (افتخار و همکاران، ۱۳۸۳) این تحقیق بیش از آنکه مؤید وجود خشونت در ازدواج‌های سنین پایین باشد به نوعی نتایج تحلیل‌های اردکانی را تأیید می‌کند که با افزایش سن زنان میزان خشونت نیز افزایش پیدا می‌کند.

هرچند آمار رسمی قابل استنادی در این زمینه وجود ندارد، اما نتایج حاصله از پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهد ادعای منتقدین ازدواج زودهنگام در مورد ارتباط سن پایین با افزایش خطر خشونت علیه زنان فاقد شواهد تجربی است. با این حال وجود برخی گزارش‌ها در خصوص وجود خشونت‌های کلامی و بدنی در ازدواج‌های سنین پایین ضرورت توجه به این بُعد از مسئله را نیز در کنار سایر ابعاد مطرح شده در ارتباط با موضوع بحث نشان می‌دهد.

پیامدهای مطرح شده که در سطور بالا مورد بررسی قرار گرفت جزء مواردی بود که در خصوص آنها امکان استناد به آمار و شواهد تجربی وجود داشت. در ادامه سایر مواردی که شواهد تجربی در خصوص آنها وجود ندارد و صرفاً بحث‌های نظری و گمانه‌زنی‌ها در خصوص موضوع مطرح شده است، بررسی می‌شود.

## ۶. رعایت نشدن حقوق کودکی

یکی از آسیب‌هایی که در خصوص موضوع ازدواج سنین پایین (با در نظر داشتن سن ۱۸ سال مطابق با کنوانسیون حقوق کودک) به آن اشاره می‌شود، رعایت نشدن حق کودکی است. از این نظر دستیابی کودک به تحصیل، بازی، تأمین آتیه، حمایت والدین، حق دسترسی به بهداشت و تأمین سلامت... حقوق اولیه برای کودک در نظر گرفته می‌شود و ازدواج سنین پایین، فرد را از تمام این موارد محروم می‌سازد. از این حیث ازدواج سنین پایین نوعی کودک‌آزاری و محرومیت از حقوق کودکی است و ازدواج در این گروه سنی بستری برای ایجاد خطرات احتمالی و تهدیدات به‌وجود آمده برای کودک است.

پژوهش یا مطالعه میدانی در خصوص توصیف وضعیت کودکانی که در سنین پایین ازدواج کرده‌اند و مقایسه وضعیت دوره‌های مجرد و بعد از تأهل آنان وجود ندارد. اما می‌توان با توجه به موقعیت جغرافیایی که این ازدواج‌ها در آن رخ می‌دهد این فرض را مطرح کرد که تا چه حد افرادی که در سن پایین ازدواج می‌کنند از حقوق کودکی خود بهره‌مند می‌شوند و آیا ازدواج باعث بدتر شدن وضعیت

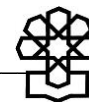
آنها می‌شود یا ممکن است موقعیت آنها را تغییر دهد.

برخی صاحب‌نظران به این وجه مسئله توجه کرده و این مسئله را در درک چرایی ازدواج در سنین پایین طرح کرده‌اند «در برخی کشورهای درحال توسعه، ازدواج زود هنگام یک ابزار اقتصادی تلقی می‌شود که می‌تواند وضعیت اقتصادی خانواده را بهبود بخشد، می‌تواند پیوندهای خانوادگی را تحکیم بخشیده و تضمینی برای باکری دختران قبل از ازدواج باشد که امیال جنسی ایشان را کنترل می‌کند و می‌تواند مانع از رسیدن دختران به سنی شود که جذابیت جنسی‌شان به‌عنوان همسر تحلیل رود (المو، ۱۳۸۶ به نقل از احمدی، ۱۳۹۶).

در هر حال، این استدلال صرفاً یک گمانه‌زنی ذهنی است. اما براساس همین گمانه‌زنی می‌توان این پرسش را طرح کرد که اساساً این افراد در خانواده خود و در شرایط قبل از ازدواج تا چه حد از این حقوق بهره‌مند بوده‌اند که پس از ازدواج از آن محروم شده‌اند؟ و البته سؤال اساسی‌تر که در صورتی که با اجبار قانونی از ازدواج آنها جلوگیری شود، آیا شرایط زندگی آنها بهبود می‌یابد یا اینکه بدتر خواهد شد؟

## ۷. ناتوانی در اداره امور زندگی

مورد دیگر درخصوص موضوع ازدواج سنین پایین آماده نبودن فرد برای پذیرش نقش همسری یا مادری و ناتوانی او برای ایفای مسئولیت‌های محوله است. هرچند با طولانی شدن فرآیند آموزش در جوامع شهری افراد برای داشتن یک زندگی مستقل در سنین پایین با چالش‌های فراوانی مواجه خواهند بود، اما با توجه به اینکه هر فردی دارای توانمندی‌های خاص و ویژگی‌های شخصیتی منحصر به خود است نمی‌توان همه افراد را از لحاظ آمادگی پذیرش نقش در یک مجموعه جای داد. این موضوع را نباید از نظر دور داشت که ازدواج سنین پایین در مناطقی با فرهنگ‌های عرفی آن منطقه صورت می‌گیرد. والدین و جامعه محلی فرد را برای پذیرش نقش احتمالی آماده می‌سازند و این امر خارج از فرآیند آموزش در یک سیستم رسمی است. همچنین برای ازدواج در سنین پایین توانایی افراد توسط قاضی مورد سنجش قرار می‌گیرد و پس از محرز شدن توانایی شخص برای اداره امور زندگی مجوز ازدواج از طرف دادگاه صادر می‌شود. اگرچه ممکن است این قانون توسط افراد رعایت نشود اما نظام قانونی این موضوع را مورد توجه قرار داده و از این حیث تغییرات لازم در احکام قانونی را ایجاد کرده است. به‌طور کلی به صرف رسیدن یا نرسیدن فرد به یک سن خاص نمی‌توان در مورد توانایی او برای پذیرش نقش‌های اجتماعی تصمیم گرفت. از این‌رو اظهار نظر درخصوص توانایی فرد، وابسته به شرایط محیطی، جسمی و فرهنگ منطقه‌ای اوست. بنابراین استناد به یک سن مشخص فاقد هرگونه مبنای استدلالی است.



## ۸. مداخلات آسیب‌زننده خانواده‌های زوجین

یکی دیگر از پیامدهای مورد اشاره درباره ازدواج در سنین پایین مداخله بی‌حد و حصر والدین در زندگی زوج‌های در سنین پایین است. البته این مورد می‌تواند براساس تجربه زیسته افراد بیان شده باشد، اما شواهد تجربی خاصی در این مورد وجود ندارد. تنها شواهد تجربی غیرمستقیم مرتبط با موضوع، یافته‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۳۹۴ است که در آن افراد در پاسخ به این سؤال که «چقدر با اعمال نظر والدین در زندگی فرزندان پس از ازدواج موافق یا مخالفند» ۲۱ درصد پاسخ کاملاً مخالف، ۳۴ درصد مخالف، ۲۳ درصد نظری ندارم را داده‌اند و تنها ۱۸ درصد موافق و ۲ درصد کاملاً موافق این موضوع بوده‌اند. نتایج این پیمایش نشان می‌دهد که موضوع دخالت در زندگی فرزندان از حیث اجتماعی و عرف امر مذموم و ناپسندی بوده و نوعی بازدارندگی اجتماعی درباره آن وجود دارد.

مسئله دخالت آسیب‌زننده خانواده‌های زوجین، ارتباط مستقیم با مهارت‌های رفتاری یک فرد و توانایی مدیریت رفتاری او دارد. چه‌بسا افرادی که در سنین بالا اقدام به تشکیل خانواده می‌کنند بیشتر از افرادی که در سنین پایین ازدواج می‌کنند از این مشکل رنج ببرند. بنابراین تأیید این گزاره در گروه انجام پژوهش‌های میدانی و توصیف وضعیت افرادی است که در سنین پایین تشکیل خانواده داده‌اند. با این حال داشتن زندگی مستقل از والدین یک ایده خاص برای زندگی است که اگرچه تحت تأثیر فرهنگ شهری و مدرن گسترش یافته و همه‌گیر شده، اما همچنان میزان وقوع آن در مناطقی که ازدواج‌های در سنین پایین در آن رخ می‌دهد، پایین است. به عبارت دیگر اساساً این موضوع مسئله این مناطق و الگوی زندگی مرسوم در آن نیست.

با این احتمال وقوع پدیده مزبور با توجه به پیامدهای بسیار مخرب و منفی آن، ضرورت توجه به امکان‌های پیشگیرانه در این موضوع را مطرح و توجه به آن را لازم و ضروری می‌سازد.

## ۹. اجباری بودن و فقدان بلوغ فکری و اجتماعی

یکی از مواردی که با توجه به گروه سنی مورد نظر در خصوص ازدواج‌های سنین پایین مطرح می‌شود مسئله اجباری بودن این ازدواج‌هاست. اگرچه در این خصوص نیز تحقیق مستقلی وجود ندارد که به صورت مشخص نشان دهد چه میزان از ازدواج‌های این سنین به صورت اجباری و بدون توجه به نظر دختران یا علی‌رغم میل و نظر آنها انجام شده است، اما به دلیل اینکه اساساً این افراد فاقد امکان و عاملیت لازم برای چنین موضوعی هستند، این مورد به عنوان یکی از پیش‌فرض‌های عمومی و پذیرفته شده درباره ازدواج در سنین پایین طرح شده و در تحقیقات مختلف به صورت مکرر از اجباری بودن به عنوان صفت این ازدواج و برای توصیف آن استفاده می‌شود (احمدی، ۱۳۹۶؛ مظفریان، ۱۳۹۵؛

عاصمی، ۱۳۹۳؛ افتخارزاده، ۱۳۹۵؛ ولدخانی، ۱۳۹۵).

با این حال با توجه به بافت فرهنگی و اجتماعی مناطقی که عمدتاً ازدواج‌های سنین پایین در آن صورت می‌گیرد، مشخص نیست تا چه حد طرح موضوع «انتخاب» که یکی از ویژگی‌های الگوی همسرگزینی طبقه متوسط در دوره‌های اخیر است نسبت به این موضوع قابل دفاع باشد. در هر حال مسئله اجبار موضوعی است که باید در شرایط قانونی امکان ازدواج در این گروه سنی با حساسیت بسیار زیاد مورد توجه قرار گیرد.

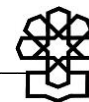
علاوه بر این پدیده پررنگ کردن مسئله بلوغ فکری و اجتماعی در بخش عمده مقالات مرتبط با این موضوع در کنار بی‌توجهی یا در مواردی حذف تعمدی مسئله بلوغ جنسی است. در واقع به نظر می‌رسد که در این رویکرد از میان دو موضوع بلوغ جنسی و بلوغ فکری و اجتماعی، آنچه رکن اساسی زندگی مشترک را تشکیل داده و به همین خاطر تا زمان عدم تحقق آن امکان ازدواج قابل طرح نیست، بلوغ فکری و اجتماعی است و بلوغ جنسی موضوعی است که توان مشروعیت‌بخشی به امکان اجازه ازدواج در سنین پایین را به تنهایی ندارد. علاوه بر این به نظر می‌رسد آنچه به عنوان بلوغ فکری و اجتماعی به عنوان شرط لازم و ضروری امکان ازدواج طرح می‌شود، بلوغ حداکثری است که در خصوص سن دستیابی به آن در میان محققان مختلف از ۱۸ سال تا ۳۲ سال اختلاف وجود دارد.<sup>۱</sup> روشن است که چنین نگاهی فاقد جامعیت به مسئله ازدواج بوده و طرح آن دارای پیامدهای فرهنگی و اجتماعی زیادی است.

جمع‌بندی آنچه تاکنون گفته شد نشان می‌دهد که بررسی موضوع از حیث پیامدها و آثار آن اگرچه بیان‌کننده تغییر عمده خاصی در موضوع مورد بررسی نیست، اما وجود میزانی از طلاق‌ها با توجه به پیامدهای مخرب آن، برخی موارد ترک تحصیل، میزانی از نارضایتی جنسی و خشونت خانگی و همچنین احتمال دخالت‌های مخرب نزدیکان و نیز ناتوانی در اداره امور زندگی در مقایسه با سایر گروه‌های سنی در ارتباط با موضوع مورد بحث مشاهده می‌شود.

این موارد هرچند در مقایسه با سایر گروه‌های سنی اندک بوده و برخلاف آنچه گفته می‌شود و در بازنمایی‌های رسانه‌ای نشان داده می‌شود نه تنها بحرانی نبوده، بلکه بیانگر وضعیت مناسب‌تر این بازه سنی در مقایسه با سایر گروه‌هاست. اما به دلیل وضعیت خاص افراد در این بازه سنی به خصوص از حیث آسیب‌پذیری و شکنندگی، توجه به این موارد لازم و ضروری است. با این حال وضعیت به گونه‌ای نیست که بتواند مبنای تغییر کلی حکم شرعی همچون ابطال ازدواج‌ها و حکم قانونی همچون بالا بردن سن ازدواج و ممنوعیت مطلق آن شود.

موارد اشاره شده با انجام تغییرات در شرایط امکان ازدواج زیر سن قانونی و دقیق‌تر شدن

۱. موضوع بلوغ در گزارش دوم مورد بررسی بیشتری قرار گرفته و ابعاد آن بررسی شده است.



شاخص‌های موردنظر تا حد زیادی قابل پیشگیری و کنترل بوده و می‌تواند بخش قابل توجهی از آثار را کاهش دهد.

علاوه بر موضوع پیامدها، مورد دیگری که به‌عنوان دلیلی برای ایجاد مصلحت زمانی و مکانی جدید مطرح شده است وجود قوانین بین‌المللی و وجود نوعی مطالبه در سطح جهانی در ارتباط با این موضوع است. در این بخش این بعد از موضوع نیز بررسی می‌شود.

### فصل سوم - تعیین سن ازدواج در جوامع مختلف

در این فصل سن ازدواج را در سه سطح سن ازدواج در قوانین بین‌المللی، قوانین کشورهای مختلف و نظام حقوقی ایران مورد بررسی قرار خواهیم داد.

#### ۱. سن ازدواج در قوانین بین‌المللی

در معاهدات و اسناد بین‌المللی تأکید بر انجام ازدواج در وضعیت مطلوب، آزادی انتخاب و رضایت طرفین به دفعات دیده می‌شود. علاوه بر این تأکیدات، یکی از دغدغه‌های معاهدات و اسناد یاد شده تأکید بر اهمیت تعیین سن مطلوب برای ازدواج است.

از این رو کشورهای عضو سازمان ملل متحد ملزم به تعیین حداقل سن برای ازدواج هستند. این سن باید به‌گونه‌ای تعیین شود که رضایت شخص به ازدواج بتواند معتبر تلقی شود (غدیری، ۱۳۹۶). براساس این، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۵ طی قطعنامه‌ای با عنوان «توصیه درباره رضایت از ازدواج، حداقل سن ازدواج و ثبت ازدواج‌ها» در اصل دوم خود بیان می‌دارد که تعیین حداقل سن ازدواج در هر حال نباید کمتر از ۱۵ سال باشد.<sup>۱</sup>

بند «۲» ماده (۲۳)<sup>۲</sup> میثاق حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل، حق ازدواج را مختص به زنان و مردانی می‌داند که به سن ازدواج رسیده‌اند (سن مشخصی در این میثاق اعلام نشده است). همچنین در ماده (۱۲) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی به حق ازدواج مردان و زنانی که به سن ازدواج رسیده‌اند تأکید شده است، اما در این کنوانسیون نیز به سن مشخصی برای ازدواج اشاره نشده است.

۱. اصل دوم - کشورهای عضو به‌منظور تعیین حداقل سن ازدواج، که در هر حال نباید کمتر از ۱۵ سال باشد، باید اقدام قانونی به‌عمل آورند، هیچ ازدواجی نباید به‌وسیله هیچ شخصی کمتر از این سن به‌صورت قانونی به ثبت برسد مگر در شرایطی که مقامی صالح به‌دلایل جدی، به نفع زوجی که قصد ازدواج دارند با ازدواج آنان موافقت کرده باشد.  
۲. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل، مصوبه ۲۶ دسامبر ۱۹۶۶ در زمره مهمترین اسناد بین‌المللی در حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی است که منعکس‌کننده حقوق معروف به نسل اول حقوق بشر است (سایت پژوهشکده باقرالعلوم).

کمیته حقوق بشر در تفسیر عمومی<sup>۱</sup> خود، اظهار می‌دارد علی‌رغم عدم تعیین سن ازدواج در میثاق حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل، این سن باید به نحوی تعیین شود که زوجین بتوانند رضایت کامل و آزاد خود را به شکلی که در قانون مشخص شده ابراز کنند (همان).

از سوی دیگر، در کنوانسیون حقوق کودک اتمام سن کودکی ۱۸ سال اعلام شده است. بنابراین، سازمان ملل در تعریف ازدواج زودهنگام می‌گوید: ازدواج زودهنگام عبارت است از هر ازدواجی که در سنین زیر ۱۸ سالگی صورت گرفته باشد (احمدی، ۱۳۹۶).

بند «۲» ماده (۱۶) عهدنامه رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان، مصوب سال ۱۹۷۹ این‌طور بیان می‌کند که «نامزدی و ازدواج کودک اثر حقوقی ندارد و دولت‌ها باید حداقل سن ازدواج را تعیین کنند و ثبت رسمی ازدواج را الزامی سازند».

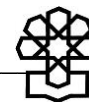
کمیته رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان در تفسیر عمومی شماره ۲۱ خود تحت عنوان «برابری در ازدواج و روابط خانوادگی» پیشنهاد می‌کند سن ازدواج برای مردان و زنان ۱۸ سال باشد. اخیراً براساس بند «۱۹» تفسیر عمومی مشترک کمیته رفع تبعیض علیه زنان و کمیته حقوق کودک در نوامبر ۲۰۱۴، سن ۱۸ سال برای ازدواج براساس تصمیم دادگاه نهایتاً به ۱۶ سال قابل تقلیل است (غدیری، ۱۳۹۶).

با توجه به آنچه در مفاد اسناد عنوان شده، آمده است، سن مطلوب برای ازدواج بین ۱۵ تا ۱۸ سال در نوسان بوده و بر سر سن مشخص اجماع و اتفاق نظری در اسناد بین‌المللی وجود ندارد. به عبارتی، در قطعنامه‌ها و اسناد بین‌المللی پیش از آنکه بر سن معینی تأکید شود، نحوه انجام ازدواج و شرایط آن حائز اهمیت بوده است. در این اسناد تأکید شده است، ازدواج باید به‌گونه‌ای صورت پذیرد که زوجین بتوانند رضایت کامل و آزاد خود را به شکلی که در قانون مشخص است، ابراز کنند.

در نهایت، ماده (۱۶) اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان می‌کند که «مردان و زنان بالغ، بدون هیچ محدودیتی از حیث نژاد و ملیت یا دین حق دارند که با یکدیگر زناشویی کنند و خانواده‌ای بنیان نهند». در این ماده به سن خاصی اشاره نشده و بلوغ را شرط ازدواج برشمرده است. نکته مهم در این ماده اشاره به صفت مردان و زنان بالغ است که می‌تواند به مبنای ضرورت بلوغ برای ازدواج تفسیر شود.

۱. یکی از ابزارهایی که به‌وسیله آن کمیته حقوق بشر عملکرد تفسیری خود نسبت به میثاق و شفافیت محدوده و مفهوم مواد میثاق را بیان می‌نماید، توسعه و ارائه نظرات کمیته در قالبی است که از آن تحت عنوان «تفسیر عمومی» کمیته حقوق بشر یاد می‌شود. مقررات میثاق هم مشابه سایر معاهدات حقوق بشری گاهی در قالب مفاهیم کلی عنوان شده‌اند و از این‌رو در مواجهه با آنها ممکن است تفاسیر گوناگونی از سوی دولت‌های عضو صورت پذیرد. کمیته حقوق بشر به‌وسیله تفسیر عمومی که نسبت به چنین مواردی صادر می‌نماید از بروز حاد شدن این‌گونه اختلافات تفسیری جلوگیری می‌نماید.





## ۲. سن ازدواج در قوانین سایر کشورها

در بیشتر کشورهای جهان قوانینی برای ازدواج وجود دارد، علاوه بر این، همان‌طور که در بخش قبل گفته شد کشورها به‌موجب اسناد بین‌المللی ملزم به تعیین حداقل سن برای ازدواج هستند. وضعیت کشورها در خصوص قوانین و مقررات ازدواج متفاوت است. در ادامه گزارش قوانین برخی از کشورها در موضوع سن ازدواج مورد بررسی قرار می‌گیرد.

**کشورهای عربی و اسلامی:** این کشورها به‌دلیل اشتراکات فراوانی که دارند تحولات و روند کمابیش یکسانی را در قلمرو حقوق خانواده تجربه کرده‌اند. در ماده (۲۴) قانون احوال شخصیه کویت اهلیت در ازدواج تابع دو شرط عقل و بلوغ است و ماده (۲۶) آن صحت عقد ازدواج را مشروط به تحقق ۱۵ سال در مورد دختران و ۱۷ سال در مورد پسران می‌داند. مواد (۷) و (۹) قانون احوال شخصیه عراق نیز سن ازدواج برای دختر و پسر را ۱۸ سال پیش‌بینی کرده با بیان این استثنا که در صورت اقتضا و قابلیت جسمی برای ازدواج با موافقت ولی و با رأی دادگاه می‌توانند بعد از ۱۶ سال تمام نیز ازدواج نمایند. در امارات متحده عربی سن ازدواج دختران ۱۲ سال تعیین شده است (بروجردی، ۱۳۸۶).

قانون کشور سوریه سن ازدواج برای پسران را ۱۸ سال و برای دختران را ۱۷ سال در نظر می‌گیرد با یک استثنا که اگر پسری ۱۵ سال تمام داشته باشد یا دختری که ۱۳ سال تمام داشته باشد و طالب ازدواج باشند، قاضی می‌تواند با آشکار شدن ادعایشان و شرایط جسمی آنها به آنان اذن ازدواج بدهد. در ترکیه ازدواج در سنین پایین صورت می‌گیرد چنان‌که در ۲۰ سالگی اغلب متأهل هستند. طبق ماده (۸۸) قانون مدنی ترکیه پسر تا اتمام ۱۷ سالگی و دختر تا اتمام ۱۵ سالگی نمی‌توانند ازدواج کنند، ولی دادگاه تحت شرایط فوق‌العاده و به استناد یک دلیل بسیار مهم می‌تواند اجازه ازدواج پسر ۱۶ سال تمام و دختر ۱۴ ساله تمام را صادر کند (همان).

**کشورهای آسیایی:** در چین سن ازدواج مرد نباید قبل از ۲۲ سال و زن قبل از ۲۰ سال باشد. در ژاپن حداقل سن ازدواج ۲۰ سال تعیین شده است. (غدیری، ۱۳۹۶) سن قانونی ازدواج در هند برای دختران ۱۸ سال و برای پسران ۲۱ سال بوده و ازدواج قبل از این سنین ممنوع است. با وجود این، ازدواج در سنین پایین به‌ویژه در نواحی روستایی رواج گسترده‌ای دارد. چنان‌که در ایالات راجستان در مراسمی صدها دختر و پسر زیر هفت سال به عقد هم در می‌آیند. در پاکستان ازدواج دختران زیر ۱۶ سال و پسران زیر ۱۸ سال ممنوع است، ولی ازدواج‌های زیر سن قانونی در بین اقوام و قبایل پاکستانی و شهرهای کوچک و روستاها شیوع فراوانی دارد (بروجردی، ۱۳۸۶).

**کشورهای اروپایی و آمریکایی:** سن ازدواج در ایالت‌های مختلف آمریکا متفاوت است. هرچند در بیشتر ایالت‌ها سن قانونی ازدواج ۱۸ سال عنوان شده، اما به‌طور کلی سن قانونی ازدواج در

ایالت‌های مختلف آمریکا از ۱۳ سال تا ۲۱ سال در نوسان است و افراد می‌توانند با رعایت قوانین در سنین پایین‌تر از سن قانونی نیز ازدواج کنند. اجازه والدین و اخذ مجوز ازدواج از محاکم قضایی از جمله رعایت شروط برای ازدواج زیر سن ۱۸ سال است. همچنین در برخی ایالت‌ها مانند کنتاکی و مریلند افراد زیر ۱۸ سال در صورت باردار بودن، بدون اجازه والدین و با اجازه دادگاه می‌توانند ازدواج کنند. اما در برخی مناطق مانند کلمبیا و جورجیا به‌طور کلی ازدواج افراد زیر ۱۶ سال ممنوع است (همان).

سن ازدواج در فرانسه برای دختران ۱۵ سال و برای پسران ۱۸ سال تمام تعیین شده است. طبق ماده (۱۴۴) قانون مدنی فرانسه هرچند زن قبل از ۱۵ سالگی کامل می‌شود، ولی نمی‌تواند پیمان ازدواج ببندد مگر به‌دلایل بسیار اضطراری که بنا به تشخیص دادگاه صادر می‌شود. در سوئیس سن ازدواج برای پسران ۲۰ و برای دختران ۱۸ سال است. در انگلستان سن ازدواج ۱۷ سال، در آلمان ۱۸ سال و در روسیه ۱۸ سال مقرر شده است (همان).

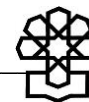
**کشورهای آفریقایی:** در کنیا ازدواج زیر ۱۶ سال فاقد اعتبار است و سن ازدواج در غنا ۱۸ سال می‌باشد. در الجزایر سن ازدواج مردان ۲۲ سال و زنان ۱۸ سال است (همان).

در یک جمع‌بندی کلی از آنچه تاکنون بیان شد می‌توان گفت در قوانین حاکم بر کشورها سن ازدواج از ۱۲ تا ۲۱ سال در نوسان است، اما اغلب کشورها در تعیین سن ازدواج برای سن زیر ۱۸ سال محدودیت‌هایی در نظر گرفته‌اند. بنابراین از حیث قوانین و مقررات بین‌المللی و عرف جهانی در خصوص سن مناسب ازدواج اگرچه سن مشخص و واحدی وجود ندارد، اما نوعی تمایل عمومی به سمت سنین بالای ۱۵ سال برای دختران و ۱۸ سال برای پسران دیده می‌شود و به‌نظر می‌رسد به‌دلیل همین واقعیت و مصلحت ناشی از آن نیز مجمع تشخیص مصلحت نظام قانون حداقل سن ازدواج در کشور را تغییر داده است.

### ۳. سن ازدواج در نظام حقوقی ایران

قانون ازدواج در ایران از ابتدای تصویب تا به امروز دچار تغییراتی شده است. برای نخستین بار در نظام حقوقی ایران در سال ۱۳۱۳ ماده (۱۰۴۱) قانون مدنی تصویب شد که عبارت است از: «نکاح اناث قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام و نکاح ذکور قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال ممنوع است. مع‌الذکر در مواردی که مصالحی اقتضا کند یا پیشنهاد مدعی‌العموم و تصویب محکمه ممکن است استثنا معافیت از شرط سن اعطا شود، ولی در هر حال این معافیت نمی‌تواند به اناثی داده شود که کمتر از ۱۳ سال و به ذکوری شامل گردد که کمتر از ۱۵ سال تمام دارند».

پس از این قانون، ماده (۲۳) قانون حمایت از خانواده در سال ۱۳۵۳ تصویب شد که به‌موجب آن



ازدواج زن قبل از رسیدن به ۱۸ سال تمام و ازدواج مرد قبل از رسیدن به ۲۰ سال تمام ممنوع شد. مگر در موارد استثنایی و به حکم دادگاه زن می‌توانست در صورتی که سن او کمتر از ۱۵ سال تمام نباشد ازدواج کند. این نوع قانونگذاری و ملاک دانستن سن بی‌توجه به شرایط افراد حاصل رویکردی مثبت به قوانین جهانی است، زیرا این افزایش چشمگیر سن ازدواج با الگوی ازدواج در جامعه همخوان نبود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در نخستین دوره مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۶۱ به‌موجب پیش‌نویس «لایحه راجع به اصلاح بعضی از موارد قانونی» ماده (۱۰۴۱) قانون مدنی بدین شرح اصلاح شد: «نکاح قبل از بلوغ ممنوع است». تبصره - «عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی صحیح است، به شرط رعایت مصلحت مولی‌علیه». به‌واسطه تبصره ماده (۱۰۴۱) قانون مدنی، ماده (۱۲۰۹) که به سن ۱۸ سال اشاره داشت حذف و ماده (۱۲۱۰) اصلاح شد. در تبصره «۱» ماده (۱۲۱۰) به سن بلوغ اشاره شده و در آن سن بلوغ برای دختران ۹ سال قمری و برای پسران ۱۵ سال قمری تعیین شد. در بازنگری بعدی و با اصلاح نگارشی تبصره آن در آبان‌ماه ۱۳۷۰ این ماده بدین شرح تغییر یافت: «عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی به شرط رعایت مصلحت مولی‌علیه صحیح است». این تغییرات با کاهش بسیار چشمگیر سن ازدواج همراه بود و هرچند انتقاداتی را برانگیخت، اما سن ازدواج ۹ سال برای دختران و ۱۳ سال برای پسران از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۸۱ پابرجا ماند. در آذرماه ۱۳۷۹ بار دیگر مجلس ماده (۱۰۴۱) را مورد بازنگری قرار داده و به‌دلیل اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان و خلاف شرع دانستن این ماده از سوی شورای نگهبان تعیین تکلیف نهایی به مجمع تشخیص مصلحت نظام سپرده شد که به نتیجه مورد نظر مجلس ختم نگردید. مجدداً طرح اصلاح ماده (۱۰۴۱) قانون مدنی در سال ۱۳۸۱ تقدیم مجلس شد. در مقدمه طرح ارائه شده چنین آمده بود: «این ماده باعث بروز ناهنجاری‌ها در امر ازدواج دختران و پسران ... متلاشی شدن کانون خانوادگی بعد از رسیدن به سن بلوغ شده و آثار نامطلوبی در تشکیل زندگی خانوادگی باقی‌گذارده است. این قانون نه تنها در محافل بین‌المللی موجب مشکلات عدیده برای نظام جمهوری اسلامی شده، بلکه موجب سوءاستفاده افراد غیرصالح نیز شده و در واقع اصل اختیار که در عقد نکاح جزء شروط اساسی است را مخدوش می‌کند.» در طرح مزبور، سن پیشنهادی نکاح، ۱۴ سال شمسی برای دختر و ۱۷ سال برای پسر تعیین شد و ازدواج در کمتر از این سن، منوط به تحصیل اجازه از دادگاه بود. در نهایت، پس از بررسی این طرح در کمیسیون‌های قضایی و حقوقی و فرهنگی مجلس شورای اسلامی، سن ازدواج برای دختر ۱۵ سال و برای پسر ۱۸ سال شمسی تعیین و به تصویب رسید. شورای نگهبان این مصوبه را نیز خلاف شرع تشخیص داد. سرانجام با طرح موضوع در مجمع تشخیص مصلحت نظام، این مجمع، ماده را به این صورت تصویب کرد: «عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح».

درحالی‌که برای امور مختلف سنین متفاوتی در قوانین مربوطه مقرر شده است. برای مثال، طبق ماده (۷۹) قانون کار مقرر شده است که «به‌کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام ممنوع است». همچنین طبق ماده (۱۴) قانون استخدامی کشور برای ورود به خدمت رسمی حداقل داشتن ۱۸ سال تمام و نداشتن بیش از چهل سال تمام از شرایط لازم می‌باشد. طبق ماده (۱۸) گذرنامه برای صدور گذرنامه نیز داشتن ۱۸ سال تمام الزامی است مگر با موافقت کتبی ولی یا قیم. علاوه بر این در مورد اخذ گواهینامه برای وسیله نقلیه موتوری هم پایان کودکی ۱۸ سال تمام است. در مورد حقوق سیاسی و شرایط سنی شرکت در انتخابات طبق قانون انتخابات ریاست‌جمهوری با آخرین اصلاحات فصل سوم ماده (۳۵) سن مورد نظر ۱۸ سال تمام است.

به‌عبارت دیگر در نظام حقوقی ایران با سنین متفاوتی درخصوص دوران کودکی در امور مختلف مواجه هستیم. با این‌حال منوط کردن عقد نکاح دختران قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال و ۱۵ سال برای پسران به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح تلاشی است که در نظام حقوقی به‌دلیل شرایط بین‌المللی و مصلحت‌های زمانی و مکانی ایجاد شده از این طریق صورت گرفته و درحال حاضر از این جهت نیز ضرورتی برای ایجاد تغییر وجود ندارد.

### فصل چهارم - رویکردهای سیاستی

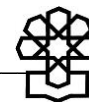
براساس آنچه گفته شد و با توجه به وجود مواردی که ضرورت دقیق‌تر کردن شرایط و شاخص‌های تصمیم‌گیری پیرامون اهلیت ازدواج و به‌تبع آن صدور اجازه ازدواج را نشان می‌دهد، دو رویکرد قابل شناسایی است:

الف) رویکرد تغییر حداقل سن برای ازدواج،

ب) رویکرد تغییر حداقل سن با در نظر گرفتن شرایط.

#### ۱. رویکرد تعیین حداقل سن

رویکرد اول بر افزایش حداقل سن ازدواج و ممنوعیت قانونی ازدواج‌های زیر این سن تمرکز دارد. در این رویکرد، تعیین سن برای ازدواج، مبنا قرار گرفته است. زیرا تعیین یک سن مشخص باعث ایجاد رویه‌ای روشن و معین است و سبب ایجاد نظم و جلوگیری از به‌وجود آمدن رویه‌های مختلف می‌شود، اما از جهتی این یکسان‌سازی باعث ایجاد یک الگوی ثابت برای همه افراد می‌گردد و به شرایط متفاوت زیستی و اجتماعی افراد توجهی نداشته و تنوع در زیست‌ها، اقلیم‌ها و عرف‌های مختلف را مدنظر قرار نمی‌دهد. علاوه بر این تعیین سن و در نتیجه یکسان‌سازی با محوریت سنین بالا باعث ایجاد فاصله زمانی طولانی بین سن بلوغ و سن قانونی ازدواج می‌گردد. از منظر دیدگاه اول، افراد زیر ۱۸ سال فاقد



قابلیت و توانایی‌های لازم برای تشکیل زندگی و خانواده هستند و براساس این، در بسیاری از کشورهای غربی سن قانونی ازدواج ۱۸ سال یا بالاتر در نظر گرفته شده است. اغلب این کشورها قائل به سن رضایت جنسی هستند و راهکار ارائه شده برای رفع نیاز جنسی از سن بلوغ تا سن قانونی ازدواج را رابطه جنسی مبتنی بر رضایت طرفین می‌دانند.

این گروه با ضروری دانستن شناسایی بلوغ‌های چندگانه برای ازدواج از منافع ازدواج به‌عنوان تأمین نیاز جنسی چشم می‌پوشند و از پیامدهای آن غافل می‌شوند. درحالی‌که بی‌توجهی به فاصله سنی بین بلوغ تا سن قانونی ازدواج باعث به‌وجود آمدن روابط پیش از ازدواج می‌شود که پیامدها و مشکلات مختلفی را به همراه دارد. شیوع بیماری‌های مقاربتی، تغییر الگوی نهاد خانواده، ایجاد خانواده‌های تک‌نفره یا گسترش روابط همبازی، افزایش سن ازدواج، گریز از خانه و... از جمله این پیامدهاست. ازسوی دیگر، ممنوعیت قانونی و مبنا قرار دادن سن مشخص برای ازدواج ایجاد یک حکم استعلائی بر مبنای تصمیم‌گیری دولت‌هاست که بی‌توجه به شرایط زیست افراد بوده و همچنین با موازین شرعی منطبق نمی‌باشد.

## ۲. دیدگاه دوم (لحاظ حداقل سن با در نظر گرفتن شرایط)

تفاوت دیدگاه این گروه با دسته نخست توجه به مسئله بلوغ و دخیل بودن سایر شرایط و پایبند نبودن به متغیر تقویمی سن در موارد خاص است. این رویکرد هرچند قائل به سن است، اما دیگر شرایط را نیز از نظر دور نمی‌دارد و اگر افراد به سن موردنظر نرسیده باشند با احراز شرایط می‌توانند ازدواج کنند. به بیان دیگر، شرایط افراد نقش مهمی در کسب مجوز ازدواج دارد. این رویکرد به دلیل جلوگیری از پراکندگی در امور و ایجاد رویه‌ای قانونی به تعیین سن الزام دارد، اما نسبت به شرایط افراد نیز بی‌توجه نبوده و با بررسی شرایط، ازدواج در زیر سن قانونی را میسر می‌داند و با تعریف این رویه، بستر قانونی برای ازدواج افراد دارای شرایط را مسدود نمی‌کند. این نوع نگاه در قوانین مدنی جمهوری اسلامی ایران در حوزه ازدواج حاکم است. بنابراین، با بررسی سیر تغییرات قوانین ازدواج در ایران مشاهده می‌شود که همواره قانونگذار علاوه بر در نظر داشتن سن از شرایط افراد نیز غافل نبوده است. این رویکرد با محور قرار دادن سن تعیین شده توسط روانشناسان و فعالان حقوق کودک مبتنی بر کنوانسیون حقوق کودک به‌عنوان مبنا برای تعیین زمان ازدواج موافق نیستند، بلکه زمان مطلوب برای ازدواج را منوط به فراهم بودن شرایط روحی و جسمی فرد می‌دانند و از این جهت، مهمترین شرط ازدواج را توانمندی لازم افراد در زمینه مصلحت‌سنجی فردی و اجتماعی خود معرفی می‌کند.

این نگاه هرچند از ممنوعیت قانونی سخن می‌گوید، اما با تبصره الحاقی اذن ولی برای ازدواج زیر سن تعیین شده و رأی دادگاه صالحه شرایط فرد را در نظر گرفته و برای افراد با شرایط خاص استثنا

قابل می‌شود. از این رو از رویکرد نخست کامل‌تر و منعطف‌تر است و برای تمام افراد یک الگوی یکسان صادر نمی‌کند و به شرایط زیست و زندگی افراد توجه می‌کند. ازدواج افراد را می‌توان در این رویکرد به سمت مبنا قرار گرفتن «شرایط» برای ازدواج تغییر داده و همسو کرد. زیرا معیار قرار گرفتن شرایط برای ازدواج به تمام جوانب زندگی فرد توجه دارد و از وجوه مختلف آن غافل نمی‌شود.

این رویکرد به شرایط افراد نسبت به تحولات و نیازهای دوره بلوغ و ارضای گزینه جنسی بی‌تفاوت نبوده و با توجه به اینکه زمینه‌های تحریک جنسی در جامعه بیش از گذشته است، این موضوعات را در ارائه الگوی قانونگذاری جهت تعیین سن ازدواج در نظر می‌گیرد.

### ۳. مسئله نفوذ قانون

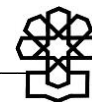
اگرچه از حیث پراکندگی ازدواج در سنین پایین (۱۰ تا ۱۴ سال) در همه استان‌های کشور دیده می‌شود با این حال براساس گزارش‌ها و تحقیقات کیفی مختلف، روستاها و نواحی حاشیه شهرها کانون اصلی این ازدواج‌ها به‌شمار می‌رود. مناطقی که قانون در آن نفوذ بسیار اندکی داشته و حضور عناصر قانونی کم‌رنگ و محدود به موارد بسیار خاص است. حتی در مواردی چون اعمال قانون سربازی نیز در این مناطق مشکلات و دشواری‌های زیادی وجود دارد.

بنابراین به اذعان بسیاری از فعالان این حوزه نه تنها تأثیر ابزار قانون برای اصلاح برخی مسائل مرتبط با موضوع ازدواج در سنین پایین اندک است بلکه استفاده نامناسب از ابزار قانونی مثل ممنوعیت مطلق و جرم‌انگاری آن می‌تواند موجب افزایش تعداد ازدواج‌های غیرثبتی در این مناطق شده و موجب محرومیت مضاعف جامعه هدف شود. به عبارت دیگر در صورتی که ابزار قانون به صورت هوشمندانه و مؤثری با توجه به وضعیت فرهنگی - اجتماعی و تفاوت‌های محیطی به کار گرفته نشود، نه تنها موجب حل مسائل موجود در این مسئله نخواهد شد، بلکه می‌تواند نتایج و پیامدهای منفی در این موضوع ایجاد کرده و عملاً وضعیت افراد ازدواج کرده در سنین پایین را که دارای مسائل و چالش‌هایی هستند، بدتر سازد.

### نتیجه‌گیری

بررسی موضوع «ازدواج در سنین پایین» و «سن مناسب ازدواج» نشان می‌دهد که برخلاف بزرگ‌نمایی صورت گرفته، وضعیت موجود در حوزه ازدواج در سنین پایین آن‌گونه که گفته می‌شود بحرانی و حاد نیست که براساس آن سیاستگذار ملزم به تغییر قانون باشد.

تحلیل متغیرهای جمعیت‌شناختی نشان می‌دهد که براساس آمار رسمی ۵ درصد ازدواج‌های کشور در این گروه سنی رخ داده و عمده آنها در بازه سنی ۱۰ تا ۱۴ سال بوده و در همه استان‌های



کشور نیز دیده می‌شود. همچنین فاصله سنی زوج و زوجه عمدتاً در فاصله سنی ۱۰ تا ۱۵ سال و ۵ تا ۱۰ سال است.

براساس نتایج این بررسی درخصوص پیامدها و آثار موضوع از جهات:

۱. میزان طلاق،

۲. ترک تحصیل،

۳. بارداری و مرگ‌ومیر کودکان و مادران،

۴. رضایت جنسی،

۵. خشونت خانگی

وضعیت این گروه سنی نسبت به سایر گروه‌های سنی نه‌تنها غیرعادی و بحرانی نبوده، بلکه در مواردی نیز مطلوب و مناسب به‌نظر می‌رسد.

اگرچه پیامدهای یاد شده در این گروه سنی در مقایسه با سایر گروه‌های سنی، به‌لحاظ آماری در وضعیت نامطلوبی نیست؛ اما به‌دلیل شکنندگی و آسیب‌پذیری بالای این گروه سنی و شرایط خاص آنان، موارد زیر قابل توجه بوده و باید رفع آنان با تغییرات قانونی در دستور کار قرار گیرد. این موارد عبارت است از:

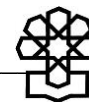
۱. وجود موارد غیرطبیعی از فاصله سنی بالای ۲۰ سال تا ۵۵ سال میان زوج و زوجه در ازدواج‌های ثبت شده در این گروه سنی،
۲. وجود مواردی از طلاق در این گروه سنی،
۳. وجود مواردی از تأثیر عامل ازدواج در ترک تحصیل دانش‌آموزان،
۴. وجود مواردی از عدم رضایت جنسی و خشونت‌های خانگی گزارش شده،
۵. احتمال مهارت‌های پایین زندگی،
۶. احتمال دخالت‌های آسیب‌زننده خانواده‌ها،
۷. احتمال خطر بارداری و مرگ مادران در صورت عدم رعایت مراقبت‌های لازم.

ازسوی دیگر، با توجه به اینکه در قوانین و مقررات بین‌المللی و عرف جهانی درخصوص سن مناسب ازدواج نوعی تمایل عمومی به سمت سنین بالای ۱۵ سال برای دختران و ۱۸ سال برای پسران دیده می‌شود از این جهت نیز اعمال تغییرات در شرایط اذن ازدواج زیر سن قانونی قابل توصیه است.

با توجه به مباحث مطرح شده، پیشنهاد مرکز پژوهش‌های مجلس **ترمیم رویه حاکم بر نظام حقوقی ایران** با هدف دقیق‌تر شدن نظام حقوقی از طریق اضافه نمودن موارد زیر به شرایط اهلیت ازدواج در سنین پایین است:

۱. تخصصی شدن تشخیص اهلیت و صلاحیت افراد برای ازدواج با مشارکت دستگاه‌هایی چون وزارت بهداشت، سازمان نظام روانشناسی و مشاوره، نیروی انتظامی.
۲. ممنوعیت مطلق ازدواج با دختری که به بلوغ جنسی نرسیده است.
۳. ممنوعیت فواصل غیرطبیعی سن زوجه و زوج و جرم‌انگاری آن.
۴. جرم‌انگاری ممانعت از تحصیل دختران متأهل در مدارس روزانه.
۵. ایجاد تکلیف قانونی برای گذراندن دوره‌های مهارت‌های زندگی در قالب مشاوره پیش از ازدواج و ارائه گواهی آن به دفاتر ثبت به‌عنوان یکی از شروط صدور اجازه ازدواج، موارد یاد شده به‌صورت پیش‌نویس قانونی در گزارشی مستقل براساس مبانی فقهی و شرعی به‌صورت تفصیلی ارائه خواهد شد.





## منابع و مآخذ

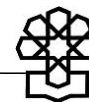
### کتب

۱. احمدی، کامیل. طنین سکوت (پژوهشی جامع در باب ازدواج زود هنگام کودکان در ایران)، نشر و پژوهش شیرازه، تهران، ۱۳۹۶.
۲. بروجردی، لیلی. ۱۳۸۶، تدبیر قانونی در سن ازدواج، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۸۷.
۳. سازمان ثبت احوال، سالنامه آماری سازمان ثبت احوال کشور، دریای نور، ۱۳۹۴.
۴. سازمان ثبت احوال، سالنامه آماری سازمان ثبت احوال کشور، دریای نور، ۱۳۹۳.
۵. سازمان ثبت احوال، سالنامه آماری سازمان ثبت احوال کشور، دریای نور، ۱۳۹۲.
۶. سازمان ثبت احوال، سالنامه آماری سازمان ثبت احوال کشور، دریای نور، ۱۳۹۱.
۷. سازمان ثبت احوال، سالنامه آماری سازمان ثبت احوال کشور، دریای نور، ۱۳۹۰.
۸. مظفریان، رایحه. حلقه (نگاهی به ازدواج زود هنگام در ایران)، روشنگران و مطالعات زنان، تهران، ۱۳۹۵.

### مقالات و پژوهش‌ها

۹. آتشک، محمد. بررسی تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش، فصلنامه شورای فرهنگی زنان، ش ۴۴، ۱۳۸۸.
۱۰. ارحامی، آسیه و سمانه، مرتجی. نگاهی به بایسته‌های آماری در سیاستگذاری در حوزه ازدواج، مرکز پژوهش‌های مجلس، شماره مسلسل ۱۵۱۵۲، ۱۳۹۰.
۱۱. اردکانی، محمدرضا. خشونت خانگی در ایران (مرور مطالعات ۱۳۸۷-۱۳۸۰)، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، ش ۵۰، ۱۳۹۲.
۱۲. افتخارزاده، زهرا. «تجربه زیسته زنان در ازدواج زود هنگام»، ۱۳۹۴.
۱۳. اقدسی، علی‌نقی و زینال‌فام، افسانه. «عوامل محیطی و اجتماعی مؤثر بر ترک تحصیل دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های شهرستان میاندوآب در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۹۰»، ۱۳۹۰.
۱۴. حسن‌زاده، حسن. «بررسی تأخیر در سن ازدواج پسران در استان کردستان»، فصلنامه دانش انتظامی کردستان، ۱۳۹۰.
۱۵. رستمی دوم، مرضیه و همکاران. شیوع اختلالات قاعدگی و عوامل مؤثر بر آن در زنان ۴۵-۱۸ ساله ایرانی در چهار استان منتخب کشور، نشریه علوم غدد درون‌ریز و متابولیسم، دانشگاه شهید بهشتی، تیرماه ۱۳۹۴.
۱۶. سلیمانی‌زاده، لاله و دیگران. بررسی حاملگی‌های پرخطر در زایشگاه مهدیه شهر بم، مجله دانشکده علوم پزشکی شهرکرد، ش ۲، ۱۳۸۳.
۱۷. شیرکرمی، جواد و دیگران. ارزیابی نابرابری‌ها در دستیابی به فرصت‌های آموزشی با مطالعه موردی مقطع ابتدایی شهرستان دهلران در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۰، فصلنامه آموزش و ارزشیابی، ش ۲۶، ۱۳۹۱.
۱۸. حیدرزادگان، علیرضا. «فرصت‌های آموزشی دانش‌آموزان عشایر استان سیستان و بلوچستان (برابر یا نابرابر)»، مجله مطالعات و برنامه‌ریزی، ش ۱۱، ۱۳۹۶.
۱۹. سفیری، خدیجه و محرمی، معصومه. «بررسی پیوند ناهمسان همسری فرهنگی با میزان اختلافات زناشویی»، فصلنامه مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، ۱۳۸۸.
۲۰. فدایی، بهروز و دیگران. تأثیر سن مادر بر عوامل و پیامدهای بارداری، مجله دانشکده پزشکی اصفهان، ش ۱۴۵، ۱۳۹۰.

۲۱. فرضی‌زاده، زهرا. «بررسی موانع تحصیل دختران روستایی»، مجله تعلیم و تربیت، ۱۳۹۶.
۲۲. قانع‌راد، محمدمبین و عزلتی، فاطمه. «بررسی انتقادی تشخیص‌ها و سیاستگذاری‌ها در مسائل خانواده و ازدواج»، مجله مسائل اجتماعی ایران، ش ۷، ۱۳۸۹.
۲۳. عاصمی، زهرا و عاطفه یزدی. بررسی تأثیر ازدواج زودهنگام و دیر هنگام بر رضایت زناشویی زنان، کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی و مطالعات رفتاری، ۱۳۹۳.
۲۴. عسگری، محمد. «بررسی عوامل مرتبط با ترک تحصیل دانش‌آموزان دختر و پسر دوره راهنمایی منطقه فامنین از نظر دانش‌آموزان و دبیران»، ۱۳۸۲.
۲۵. عسگری ندوشن، عباس، عباسی‌شوازی، محمدجلال و صارقی، رسول. «مادران و دختران و ازدواج (تفاوت‌های نسلی در ایده‌ها و نگرش‌های ازدواج در شهر یزد»، مطالعات راهبردی زنان، ۱۳۸۸.
۲۶. علیایی زند، شهین. «مشکلات اجتماعی ازدواج نامناسب، بستری زمینه‌ساز برای روسپیگری»، ۱۳۸۱.
۲۷. غدیری، ماهر و سن و رضایت به ازدواج از منظر نظام بین‌المللی حقوق بشر، فصلنامه خانواده‌پژوهی، ش ۴۵، ۱۳۹۶.
۲۸. غیائی، پروین و معین، لادن و روستا، لهراسب. «بررسی علل اجتماعی گرایش به طلاق در بین زنان مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده شیراز»، فصلنامه زن و جامعه، ۱۳۸۹.
۲۹. مقصدادی، محمدمهدی و جوادپور، مریم. «تأثیر ازدواج زودهنگام بر سلامت جنسی کودکان و سازوکارهای مقابله با آن»، فصلنامه حقوق پزشکی، ش ۴۰، ۱۳۹۶.
۳۰. محسنی، سیفالله. «بررسی میزان علل ترک تحصیل دانش‌آموزان مدارس راهنمایی گل‌تپه»، ۱۳۸۹.
۳۱. مسگرزاده، سجاد و ترابی، فاطمه. «جامعه مخاطره‌آمیز و میانگین سن زنان و مردان در اولین ازدواج در ایران»، مجله زن در توسعه و سیاست، ۱۳۹۵.
۳۲. میراحمدی‌زاده، علیرضا و همکاران. «رضامندی زناشویی و تعیین عوامل تأثیرگذار بر آن در شیراز»، ۱۳۸۲.
۳۳. یاراحمدی، علی. «بررسی تأثیر ازدواج زودهنگام بر ترک تحصیل زنان نوجوان در ایران با رویکرد چندسطحی»، ۱۳۸۳.
۳۴. ولدخانی، مریم و همکاران. «تأثیر سن ازدواج، الگوهای همسرگزینی و تفاوت سنی زوجین بر کیفیت زندگی زناشویی زنان شهر تهران»، ۱۳۹۵.
- گزارش‌ها**
۳۵. گزارش «نظام کشوری مراقبت از مرگ مادری»، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، معاونت بهداشت دفتر سلامت جمعیت، خانواده و مدارس، اداره سلامت مادران، ویرایش دوم، ۱۳۹۵.
۳۶. گزارش «پیشرفت کنترل ایدز جمهوری اسلامی ایران درباره پایش اعلانیه تعهد مصوب اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان»، ۱۳۹۵.
۳۷. «ملل متحد در زمینه اچ‌آی‌وی و ایدز»، دبیرخانه کارگروه کشوری ایدز (وزارت بهداشت، درمان، آموزش پزشکی)، ۱۳۸۶.
۳۸. «طرح شناسایی کودکان بازمانده از تحصیل» معاونت رفاه و امور اجتماعی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۵.



39. <http://donya-e-eqtasad.com>
40. <https://www.mehrnews.com/news/3036336>
41. <http://www.khabaronline.ir/detail/320719/society/health>
42. <http://tnews.ir/news/914889903647>
43. <https://www.mehrnews.com/news/4143280>
44. <http://www.farhangiannews.ir/view-33783.html>
45. <https://www.isna.ir/news/95081510025>
46. <http://www.irna.ir/fa/News/82342323>
47. <http://iscanews.ir/news/660751>
48. <http://qazvinprisons.ir>
49. <http://mehrkhane.com/fa/news/26176>
50. Booth, A., & Edwards, J.N. (1985) Age at marriage and marital instability. *Journal of Marriage and the Family*, 61, 67-75.
51. Goode, W.J. (1989). *The family* (2nd ed.). New Delhi, Prentice-Hall of India, (P.P.147-167).



شماره مسلسل: ۱۵۹۹۱

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: ازدواج دختران در سنین پایین ۱. وضعیت موجود و ابعاد مسئله

نام دفتر: مطالعات فرهنگی (گروه زنان و خانواده)

مجری تحقیق: سینا کلهر، سمیه خزایی

همکاران: ریحانه رحمانی‌پور، نگار کریم‌پور

ناظر علمی: ایروان مسعودی‌اصل

اظهار نظر کنندگان: اسماعیل نوده‌فراهانی، آسیه ارحامی

متقاضی: کمیسیون فرهنگی

ویراستار تخصصی: \_\_\_\_\_

ویراستار ادبی: \_\_\_\_\_

واژه‌های کلیدی:

۱. ازدواج در سنین پایین

۲. دختران

۳. وضعیت

۴. پیامدها



تاریخ انتشار: ۱۳۹۷/۵/۲۰